

پیام سندیکا

پیام سندیکا

پیام آور سندیکاهای کارگری ایران

حاصل اتحاد تاریخی کارگران سندیکایی در راستای شکل و آگاهی برای کارگران

شماره ۱۳۰ / سال سیزدهم / بهمن ماه ۱۴۰۲ / نشریه سندیکاهای کارگری ایران



صدای عباس دریس باشیم!





پیام سندیکا

ماهنامه خبری تحلیلی کارگری

نشریه درونی سندیکاهای کارگری

ایران کاری از کارگران سندیکایی

ایران، بر اساس منشور جهانی

سندیکاهای کارگری در راستای

تشکل و آگاهی برای کارگران، از مهر

۱۳۹۰/چاپ تهران

(چاپی و الکترونیکی)

سندیکای کارگران فلز کارمکانیک

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی

سندیکای کارگران نقاش و تزئینات

سندیکای کارگران بنا

سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه

اتحادیه نیروی کار پروژه های

<http://vahedsyndica.com>

vsyndica@gmail.com

s_felezkar@yahoo.com

gmail.com@sfelezkar1961

www.sfelezkar.com

irunionmessenger@gmail.com

ماهنامه نشریه پیام سندیکا، پیام آور سندیکاهای کارگری ایران شماره ۱۳۰/

سال سیزدهم بهمن ۱۴۰۲ در ایران بصورت چاپی و الکترونیکی منتشر شد.

در این شماره می خوانید:

اطلاعیهای سندیکاهای کارگری ص ۱

گزارشات کارگری از واحدهای تولیدی سراسر کشور ص ۸

مسخره بازی ای به نام انتخابات! ص ۲۵

یکشنبه های اعتراض! ص ۲۶

دوشنبه های اتحاد! ص ۲۷

نبی اله معروفی از سرداران گمنام جنبش کارگری! ص ۲۹

طرح طبقه بندی مشاغل و اهمیت آن برای کارگران ص ۳۲

احضار فعالان صنفی و مدنی به دادگاه چه تبعاتی خواهد داشت؟ ص ۳۴

راز سرود بهاران خجسته باد! ص ۳۶

اولین اعتصاب تاریخ در ۳ هزار سال پیش ص ۴۰

ریخت و پاش از جیب بازنگستان ممنوع ص ۴۳

بدر شیرجه ایران تقی عسگری! ص ۴۴

دزدی فقط بالا رفتن از دیوار مردم نیست! ص ۴۵

اعتصاب کشاورزان فرانسوی و کارگران حمل و نقل آلمانی ص ۴۶

پزشکان کوبایی به کمک ایتالیای سرمایه داری می آیند! ص ۴۸

«خواب خرس قطعی» ص ۵۱

چرا یافتن حیات در مریخ می تواند «بدترین خبر» باشد؟ ص ۵۲

کوهنورد! ص ۵۵

چرا اعدام! ص ۵۶

حیات تحریریه سندیکای کارگران فلز کارمکانیک ایران

برای اطلاع از دیدگاههای ما می توانید به سایت دو زبانه سندیکای

کارگران فلز کارمکانیک ایران به آدرس sfelezkar.com و

کانال رسمی سندیکا در تلگرام به آدرس

#کانال_رسمی_سندیکای_کارگران_فلز_کارمکانیک_ایران

مراجعة کنید



صدای عباس دریس باشیم، جان او در خطر است!

عباس دریس کارگر ماهشهری تنها شاهد کشتار کارگران در نزارهای ماهشهر در سال ۹۸ است. اطلاع یافتیم که با خانواده عباس دریس تماس گرفته و به آن‌ها گفته‌اند ده روز دیگر مادرش فهیمه بنی‌سعید و سه فرزندش محمد، مهدی و علی به دیدار عباس بروند، احتمالاً این دیدار همان آخرین ملاقات پیش از اعدام باشد. در این خصوص نامه خانواده عباس دریس به مردم ایران را منتشر می‌کنیم:

«ما خانواده دردمند عباس دریس که دوسال است در بدترین شرایط زندگی می‌کنیم و متأسفانه با زندان و پرونده سازی مواجه شده و اکنون عباس ما در خطر اعدام شدن هست، از هر کس که قلبی در سینه دارد و برای ما و خانواده دردمند ما دل می‌سوزاند خواهش می‌کنیم قبل از اینکه دیر شود هر کاری که می‌توانید بکنید عباس به خانه برگردد. عباس دریس پدر سه فرزند که مادرشان از شنیدن خبر حکم اعدام عباس سکت کرده و درگذشت، اکنون تنها سرپرست این کودکان است و باید هرچه زودتر آزاد شود و نزد فرزندانش بیاید. کمک کنید تا دیر نشده عباس دریس نجات یابد. خانواده دردمند و نگران عباس دریس»

سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران ضمن محکوم کردن اینگونه اعدام‌ها که در حقیقت قتل دولتی است از حقوق مردم در خصوص آزادی تجمعات و راهپیمایی حمایت کرده و خواهان آزادی همه کسانی است که به این دلیل در زندان هستند می‌باشد.

آزادی، عدالت اجتماعی حق همه مردم ایران است که از عمده‌ترین اهداف انقلاب بهمن بود.

سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران ۲۵ بهمن ۱۴۰۲

احضار کارگران و بازنشستگان محکوم است!



اطلاع یافتیم برای ۲۴ کارگر فعال فولاد اهواز و ۱۴ بازنشسته گیلانی پرونده سازی شده است. پرونده سازی برای کارگرانی که می خواهند خانواده هایشان را از فقر تحمیلی نجات بدهند و حق خود را از ثروت تولید شده می خواهند، انتقامی است که مافیا از تاثیر اعتصاب فولادمردان در شهر اهواز و بر روی کارگران ایران گذاشته است، می خواهد بگیرد.

از سوی دیگر برای ۱۴ بازنشسته زن و مرد گیلانی پرونده ای به اتهام تجمع غیرقانونی و اخلال در نظم و آسایش عمومی از سوی دادسرای عمومی و انقلاب رشت صادر شده است. بازنشستگان گیلانی که استقامت و پایداریشان سرمشقی برای همه بازنشستگان در سراسر کشور واقع شد. بارها دلیر زنان گیلک با دراز کشیدن در مقابل ون های پلیس نمی گذاشتند افراد دستگیر شده را به قرارگاه پلیس ببرند، مورد کینه مافیای تامین اجتماعی و کانون های بازنشستگان بی خاصیت قرار گرفته اند.

مافیای لانه کرده در اتاق بازرگانی با مشاورینش، دولت و تامین اجتماعی که خود را در خطر اعتراضات سراسری کارگران و بازنشستگان می بینند به جای حل موضوع و دادن حق کارگران و بازنشستگان فکر می کنند پرونده سازی و احضار چاره کار است.

پیام ما به این مافیا چنین است: «اگر قرار بود در پیرانه سری بترسیم در جوانی هیچگاه انقلاب نمی‌کردیم و ساواک و شاه ضد کارگر را از این سرزمین بیرون نمی‌کردیم. اگر می‌ترسیدیم در جوانی جلوی ارتش تا بن دندان مسلح عراق بدون سلاح و غذا و مهمات نمی‌ایستادیم که امروز شما برایمان عرض اندام کنید»

ما از آرمان‌هایمان که در بخشی از قانون اساسی به ویژه اصل ۲۷ قانون اساسی تبلور یافته است دفاع می‌کنیم که به مردم ایران این حق را داده است که «بدون اسلحه و بدون اخلاص در مبانی اسلام» راهپیمایی، تجمع، اعتراض کنیم. اینکه این دستاورد که حاصل توازن قوا در ابتدای انقلاب و به نفع کارگران مصوب شده برای مافیا گران آمده است و برای همین این اصل را زیر پا می‌گذارند. کارگران و بازنشستگان نه تنها اعتراض‌شان «مخل به مبانی اسلام» نیست بلکه خواهان اجرایی شدن یکی از اصول دین که عدل است را فریاد می‌زنند که مافیا از آن گریزان است.

اینگونه احضارها و پرونده‌سازی‌ها ما را از پیمانی که بیش از صد سال با خون جان باختگان این راه بسته ایم رویگردان نخواهد کرد. همان قدر که شاه و عواملش توانستند سد را همان بشوند شما هم خواهید شد.

ترس حقیرتر از آن است که ما را از عهدی که بسته ایم باز دارد.

**سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران/ بازنشستگان
سندیکای بافنده سوزنی/ بازنشستگان صنعت چاپ/
بازنشستگان شهاب خودرو/ بازنشستگان مستقل قزوین/
بازنشستگان مستقل بابل/ بازنشستگان مستقل رامهرمز**

عفریت شوم جنگ محکوم است!



۱۰۸ روز از جنگ صهیونیست‌های اسرائیل با مردم غزه می‌گذرد و کشورهای اسرائیل، فلسطین، سوریه، لبنان و یمن تاکنون درگیر جنگ شده‌اند. فقط در غزه بیش از ۲۵ هزار نفر کشته و ۶۰ هزار نفر مجروح گشته‌اند. اگر تعداد همه طرفین این جنگ را علاوه کنیم تعداد کشته‌ها به ۲۶ هزار نفر می‌رسد.

آمریکا، اسرائیل، انگلیس از فرصت پیش آمده استفاده کرده خواهان تحمیل سیاست‌های ضد بشری خود در منطقه هستند و با اعزام ناوهای جنگی خود به منطقه خلیج فارس و دریای عمان، جنگ هوایی موشکی را بر ضد یمن آغاز و در روز نخست ۳۰ مرکز را در یمن هدف گرفتند تا شعله‌های این جنگ بیشتر شود. کشورهای سه‌گانه آمریکا، اسرائیل و انگلیس تلاش می‌کنند متحدینی در منطقه و اروپا با خود همراه کنند. در همین راستا کشور بی‌خرد بحرین در این دام افتاده‌اند. کشورهای هلند، کانادا، استرالیا، دانمارک، آلمان و نیوزیلند و کره جنوبی نیز حمایت‌های خود را از این جنگ اعلام کرده‌اند. کشورهای اروپایی و آمریکا به دنبال دستیابی به بازارهای فروش و آزمایش اسلحه و مهمات خود هستند آنها همچنین به دنبال تغییر جغرافیایی و حاکمیت در کشورهای ایران، یمن، عراق می‌باشند.

متأسفانه تجاوز به خاک پاکستان و موشک باران بخشی از خاک این کشور، واکنشی موشکی و بمباران شهر سراوان را در پی داشت و به کشته شدن کودکان و انسانهای بی‌گناهی از طرفین منجر شد. به ویژه اینکه در روزهای قبل از تجاوز به پاکستان مناطقی از شهرهای کردنشین عراق و سوریه نیز مورد حمله موشکی قرار گرفته بود.

کشیده شدن کشورمان به این جنگ منطقه ای در کنار لبنان ، سوریه و یمن و فلسطین نه تنها برای منطقه بلکه برای کشورمان نیز فاجعه بار خواهد بود.

ما هشدار می دهیم سیاست های کودخانه و جنگ طلبانه ای که «مافیای زر و زور و تزویر» برگزیده است و به دنبال پر کردن جیب خود و خروج از بحران داخلی است، از نظر ما مردود است. ما اعلام می کنیم سایه جنگ را بر کشور تحمل نمی کنیم تا عده ای ثروتمند شوند و فرزندان کارگران طعمه مرگ گردند.

مطمئناً مخالفت با سیاست های ضد کارگری نئولیبرالی حاکمیت از جمله سرکوب کارگران و بازنشستگان، فرهنگیان، دانشجویان، فعالین مدنی و سیاسی و اعدام های روزافزون که در راستای سیاست های نئولیبرالی و مرعوب کردن اعتراضات به فقیرتر شدن مردم ایران بر ما تحمیل می شود به هیچوجه به موافقت از عملیات تروریستی داعش، جیش العدل که سر نخ شان در دست قدرتهای خارجی است، نخواهد انجامید. تحرکات این جریان های تروریستی ربطی به مبارزات مردم ایران برای کسب حقوق دموکراتیک خود ندارند.

می دانیم که سیاست های نئولیبرالی بر همه عرصه های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، نظامی سایه افکنده و هرگونه تصمیم گیری در این عرصه ها متأثر از این سیاست است.

زحمتکشان ایران جنگ نمی خواهند. به جای سیاست های تشنج زا باید به دنبال صلح و روابط درست به نفع منافع ملی بود که بی تردید باید از کانال طرد سیاست های ضد کارگری نئولیبرالیستی بگذرد. فقیرتر کردن مردم به صلح کمک نمی کند و به جنگ تمام عیار دشمنان کشور مدد می رساند.

سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران/ بازنشستگان
سندیکای کارگران بافنده سوزنی/ بازنشستگان
فلزکارمکانیک/ بازنشستگان صنعت چاپ/ بازنشستگان
شهاب خودرو/ بازنشستگان مستقل بابل/ بازنشستگان
مستقل قزوین/ بازنشستگان مستقل رامهرمز

مهدی توکلی را آزاد کنید!



به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، مهدی توکلی از متخصصین رنگ و عایق پروژه های نفت و گاز و از فعالین سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران در عسلویه، ۲۰ روز است دستگیر و در زندان شهرکرد زندانی است. این کارگر سختکوش که در کمپین های ۹۹ و ۱۴۰۰ و ۱۴۰۱ جزو کارگران فعال بوده و به همین دلیل کارفرمایان با همدستی خود او را در لیست سیاه قرار داده و دیگر به کار نگرفتند تا مجبور شود در خارج از عسلویه کار کند. بیکار کردن عمدی یکی از متخصصین جوان رنگ و عایق که ضربه روحی و مالی شدیدی خورده است او را از بیکار در راه حقوق زحمتکشانش باز نداشته است.

متأسفانه با زدن اتهامات غیر واقعی و سنگین به او تلاش دارند این جوان کارگر پرشور را سالها در زندان نگه دارند.

مهدی توکلی و مصطفی زمانی فقط حق قانونی خود را مطالبه می کنند و هیچ ربطی به دیگر مسایل ندارند. زندانی کردن این جوانان هیچ مشکلی را از مافیای «زر و زور و تزویر» حل نخواهد کرد. قانون کار و آیین نامه های شرکت نفت باید برای همه کارگرانی که در حوزه نفت کار می کنند یکسان اجرایی شود و هیچ راه فراری برای کارفرمایان و شرکت نفت نیست. مافیای پیمانکاری بدانند که آنان را از پروژه ها بیرون خواهیم ریخت.

سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران از هیچ کمکی به این دوستان سندیکایی خود دریغ نخواهد کرد. ۲ بهمن ۱۴۰۲

اتهام مهدی توکلی بیکاری است!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، مهدی توکلی یکی از کوشندگان سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران در کمپین‌های سال ۹۹ به بعد است که هم اکنون در زندان شهرکرد زندانی است و با اتهام غیر کارگری روبرو شده که این اتهامات برایش مجازات حداکثری را به بار خواهد آورد.

مهدی توکلی بعد از آنکه در کمپین‌های کارگری فعال ظاهر شد از سوی کارفرمایان در لیست سیاه قرار گرفت و ۲۲ سال آخر را در بیکاری محض به سر برد تا آنجا که افسردگی به سراغش آمد و این افسردگی عنان اختیار را از کف او ربود.

بیکار کردن کارگران قتل خاموشی است که کارگر و خانواده اش را تا مرز افسردگی، اعتیاد و مرگ می برد که کار فرمایان بیشرفی است که او را بیکار نموده اند. امروز این مهدی توکلی نیست که باید محاکمه و مجازات سنگینی را متحمل شود بلکه پیمانکاران بی شرافتی که به کارگران ظلم می کنند باید زندانی و محاکمه شوند.

مهدی توکلی کارگری مبارز و انسان دوستی است که رونق گرفتن سفره های کارگران را آرمان خود می داند. او از هر اتهامی مبرا است و باید فوراً آزاد شود.

سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران

۱۰ بهمن ۱۴۰۲

گزارشات کارگری از واحدهای تولیدی سراسر کشور



شرکت سهامی ذوب آهن اصفهان

۱- جشن انقلاب در ذوب آهن!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، جشن دورهمی خانواده های ذوب آهنی در گرامیداشت ۴۵مین سال پیروزی انقلاب به دعوت مدیریت برگزار شد. در این جشن نه تنها حرفی از خواسته های کارگران در سال ۵۷ زده نشد بلکه سخنرانی های غریبی از سوی مسئولین در سودآور شدن کارخانه صورت گرفت که باز هم هیچ اشاره ای به زحمات کارگران در این سودآوری نشد. سودهایی که به جیب هلدینگ های مافیایی و مدیران بی لیاقت ذوب آهنی می رود. آنچه در این مراسم چشمگیر بود بی اعتنایی کارگران به اینگونه مراسم های دلچک مابانه مدیریت ذوب آهن است. کل شرکت کنندگان از ۳ هزار خانواده ذوب آهنی فقط ۱۴۳ خانواده شد. بیشتر صندلی های سالن خالی از کارگران بود. استاد دانشگاه اصفهان که به عنوان سخنران

دعوت شده بود زمانی که بی‌اعتنایی کارگران به این مراسم را دید در سخنرانی خود از: «توجه به منابع انسانی شاغل در هر سازمان می‌تواند به تعهد شغلی و مسوولیت‌پذیری و کارآمدی در هر سازمان بیانجامد» سخن گفت، تا شاید این بی‌اعتنایی را به مسوولین گوشزد کند. بعد از اعتصاب دو ماه پیش کارگران و دستگیری تنی چند از کوشندگان و راه ندادن بیش از ۱۰۰ کارگر فعال در این اعتصاب و پرونده سازی برای بسیاری از کارگران و مهمتر از همه بدعهدی نسبت به اجرای طبقه بندی مشاغل در کارخانه، کارگران اینگونه مراسم‌های بی‌خاصیت را بایکوت کرده اند.

۲- حوادث کار همچنان در نوب آه‌ن پیشتاز است!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، در آذر ماه رضا براتی از کارگران مدیریت تولیدات کک و مواد شیمیایی، دچار حادثه شد و تحت عمل جراحی قرار گرفت. آمار حوادث کاری در نوب آه‌ن رو به فزونی است و مدیریت ایمنی نه تنها در این موارد اطلاع‌رسانی و یا حتی تجربه اندوزی را به دیگر کارگران منتقل نمی‌کند بلکه با دیدارهای تبلیغاتی تلاش دارد این حوادث را ماست مالی کند. یکی از خواسته‌های کارگران که قبلاً هم از طریق سندیکا اطلاع‌رسانی شده بود درس آموزی از این حوادث و انتقال تجربه عزیزان حادثه دیده به کارگران قسمت‌هایی که خود شاغل بودند، است. که متأسفانه با بی‌اعتنایی مدیران روبرو گشته است. آیا تنها با انتقال فرد حادثه دیده پس از بهبودی به بخش اداری یا بخش‌های دیگر می‌توان از این حوادث جلوگیری کرد؟

۳- دیدار مدیرعامل نوب آه‌ن با فرماندهان بسیج؟!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، این چندمین بار در ۴۰ روز گذشته است که مدیرعامل نوب آه‌ن با فرماندهان بسیج دیدار می‌کند. آیا مدیرعامل کار دیگری ندارد؟ یا اینکه این دیدارها به اعتصاب کارگران نوب آه‌نی مربوط می‌گردد؟ برخورد‌های خشونت‌آمیزی که در خلال اعتصاب چند روزه کارگران نوب آه‌نی رخ داد و باعث پرونده سازی برای عده کثیری از کارگران نوب آه‌نی گشت و موجب تسخیر خیابان‌های نوب آه‌ن توسط نیروی ضد شورش گردید، موجب گشت کارگران نه تنها مدیرعامل را عامل اصلی به خشونت کشیده شدن اعتصاب بدانند بلکه آمدن نیروی نظامی نیز با دستور ایشان صورت گرفته است. این دیدارها چه آینده‌ای را می‌خواهد برای نوب آه‌ن رقم بزنند؟



۱- فوق مدیریت در ایران خودرو!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، در بازدید معاون وزیر صنعت از ایران خودرو ایشان گفتند: «عملکرد مدیریتی ایران خودرو در شرایط تحریم مقبول است» او در نشست با مدیرعامل ایران خودرو گفت: «از تلاش مدیرعامل ایران خودرو و افزایش تیراژ خودرو قدردانی می‌کنم» البته زمانی این حرفها می‌تواند قابل قبول باشد که مدیری با لیاقت تر از مدیر ایران خودرو تعریف کرده باشد. وضعیت اسف بار کنونی صنعت نشان از لیاقت معاون وزیر صنعت و وزیر صنعت می‌باشد. در مورد ایران خودرو، مردم عملکرد کل مدیریت های قبلی و فعلی را با ماشین های معیوب تولیدی می‌سنجند و اینگونه نان قرض دادن ها در میان مردم پشیزی ارزش ندارد. برای سنجش عملکرد مدیریت کل ایران خودرو همین بس که کارگران مونتاژ یک تارا شیفیت A سایز کفش هایشان ۵۰ است و این سایز در انبارهای ایران خودرو وجود ندارد و اگر از بیرون بخواهند تهیه کنند هزینه خریدش بسیار سنگین است. این مدیریت کیلویی پس از سالها هنوز نمی‌تواند کفش کار به سایز و تعداد کافی برای کارکنانش تهیه کند

۲- تعاونی یا بقالی؟

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، کارگران و کارکنان ایران خودرو طی نامه ای به مدیریت پرسیده اند «چرا قیمت کالاهای تعاونی مصرف به نسبت بازار گران تر است» پاسخ مدیریت بسیار کودکانه بوده و اعلام کرده است: «قیمت ها بر اساس لیست مصوب مصرف کننده توسط کارخانه تولید کننده و مورد تایید سازمان حمایت از مصرف کننده است» با این پاسخ چه فرقی بین بقالی سر محل کارگران با تعاونی مصرف ایران خودرو وجود دارد؟ و چرا باید کارگران بقال محل را که در فاصله کمی از خانه شان است را رها کرده از شرکت تعاونی خرید کرده که قیمت هایش با قیمت بقالی سر محل توفیری ندارد و بعد با سرویس تا خانه حمل کنند؟ مدیران بدون تخصص و قابلیت مورد نیاز هر شغل وقتی در مصدري قرار گیرند که نمی‌دانند چیست و چه باید بکنند، می‌شود مدیر تعاونی مصرف ایران خودرو. مدیر

تعاونی که نه بر اساس رای و نظر کارگران بلکه با انتصاب مدیریت کارخانه نصب شود بهتر از این نمی شود. تعاونی در حقیقت می بایست کالاها را ارزان تر از بقالی محل بدهد تا کارگران جلب شود برای خرید. در ضمن مدیر تعاونی باید این هوش را داشته باشد که از کارخانه کالا را خریداری کند تا مصرف کننده هزینه کمتری بابت کالا بدهد. البته نباید فراموش کرد که جیب های گشادی برای مصادر امور از قبل تدارک دیده شده است. کارگران ایران خودرو که سطح سواد بالاتری دارند باید آستین ها را بالا زده این امور را سامان دهی کنند.

اخبار کارگران نفت و گاز

۱. نفتگران غیور، همچنان در خروش!



به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، با تصمیمی که از روی خرد جمعی گرفته شده بود، امروز شنبه ۳۰ دیماه کارگران ارکان ثالث نفت (اداری، پشتیبانی، خدماتی، شرکت های پیمانکاری، مجتمع پارس جنوبی (به ویژه کارگران پالایشگاههای اول، سوم، پنجم، ششم، هفتم، هشتم، نهم، دهم و دوازدهم پارس جنوبی از ساعت ۷ صبح با خودداری از رفتن به سرکار، تجمعات هفتگی خود را سازماندهی کردند. خواسته های این کارگران: «حذف شرکت های پیمانکاری، اجرای کامل طرح طبقه بندی مشاغل، بهره مندی از نفت-گاز کارت، بن کارت و اعمال مرخصی ۱۴ روز کار ۱۴ روز مرخصی برای کارگران پشتیبانی» هستند. کارگران می گویند تا موفقیت نهایی تعداد روزهای اعتراضی را افزایش خواهند داد. هرچند تلاش های اتحاد شکنانه مدیران کاسه لیس و حراست پالایشگاهها برای تفرقه افکنی و متفرق کردن کارگران

با شکست روبرو شد اما سندیکا به کارگران توصیه می کند مواظب افراد تفرقه انگیز و خبرچین باشند و تصمیمات خود را با اکثریت آرا بگیرند. همچنین امروز ۳۰۰ نفر از کارکنان قراردادی در اهواز در اعتراض به: «اجرا نشدن مصوبه قانونی شورای اداری و استخدامی صنعت نفت مصوب دیماه ۱۴۰۰، اصلاح فرمول محاسبه پاداش بهره وری مشابه کارکنان مدت معین و اصلاح فرمول اضافه کاری بر اساس تبصره یک ماده ۳۶ قانون کار» تجمع کردند. در روزهای چهارشنبه، جمعه، و شنبه هم کارگران سکوهای نفتی بهرگان، لاوان شرکت فلات قاره و کارکنان بهره برداری نفت و گاز آغاجاری نیز طبق همه هفته اعتراضات به حق خود را به بی قانونی های تحمیلی اجرا کردند. برای روز دوشنبه هم تجمع «قبول شدگان آزمون بزرگ سال ۹۲ وزارت نفت» در ستاد مناطق نفت خیز جنوب برنامه ریزی و برگزار خواهد شد.

سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران حمایت خود را از اجرایی شدن تمامی موارد قانونی درخواستی کارگران اعلام می کند. به امید پیروزی قانون بر بی قانونی تحمیلی

۲- ملی حفاری و فولاد هم به میدان آمدند!

به گزارش خبرنگاران پیام سندیکا، امروز کارگران و کارکنان ارکان ثالث ملی حفاری نیز دست به تجمع زدند. بیش از ۴۰۰ نفر از کارکنان ملی حفاری که زنان همکار نیز در میان شان دیده می شد در مقابل ساختمان مرکزی دست به تجمع اعتراضی زدند. آنان خواستار حذف کامل شرکت های پیمانکاری تامین نیروی انسانی/بازنگری و اصلاح و اجرای دقیق طرح طبقه بندی مشاغل/ بهره مندی از بن کارت و نفت کارت و رسیدگی به شرایط ناایمن محیط های کاری شان شدند. همبستگی با این کارکنان در دکل های ۲۵، ۳۷، ۳۸، و ۴۵ و کارکنان خدماتی ملی حفاری مستقر در دکل ۸۱ صورت گرفت. در اتفاق دیگر کارگران گروه ملی فولاد در اهواز به دلیل بدعهدی مدیریت در قبال قول های داده شده از امروز تا شنبه آینده دست به اعتصاب زدند. طبق تصمیم کارگران هیچگونه فعالیت تولیدی، تخلیه و بارگیری صورت نخواهد گرفت. طبق تفاهم صورت گرفته نمایندگان کارگران فولاد در اعتصاب قبلی با استاندار، نیروهای امنیتی، بانک ملی، مدیرعامل می بایست طرح طبقه بندی مشاغل تاکنون کلید می خورد. مدیریت طی پیغامی روز شنبه از کارگران مهلت دو روزه ای برای اتخاذ تصمیم خواسته بود که داده شد. با توجه به اطلاعاتی که به کارگران رسید، کارگران در یک تصمیم جمعی در مقابل وقت کشی مدیریت اقدام به اعتصاب گرفتند تا مدیریت و بانک ملی به خود آیند. باز هم می گوییم: «ما را به همارودی خود نخوانید که سخت پشیمان خواهید شد»

۳- بن کارت و مشکلات کارگران نفت!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، شرکت نفت می گوید برای تبدیل به احسن کردن بن کارت ها ۴۵۰۰ فروشگاه در اختیار کارکنان است اما کارکنان و کارگران می گویند این ۴۵۰۰ فروشگاه کجاست. بیشتر فروشگاههای افق کوروش در تهران هستند. فروشگاههای آنلاین هم فقط «او کالا» کمی فعاله و دیگر هیچ. فروشگاه های حضوری در تهران فقط افق کوروش و هایپر می بدرد می خورند و چهار تا بقالی که البته شهرستان ها همان چهارتا بقالی را هم ندارند. شما فکر کنید بن کارت شش ماه را واریز کنند، چقدر ماست و پنیر و حلوا شکری باید از افق کوروش بخرم؟ اصلن کی گفته باید اون برندی که فقط در افق کوروش است را باید خرید؟ شاید بخواهیم برنج از فروشگاه محل خودمان بخرم که کیفیتش بالاتره یا قیمتش ارزان تر است یا روغن برند ایکس بخرم که افق کوروش یا هایپر می ندارن!!!! زوریه؟ جهت بن کالای اساسی انگار تنظیم کرده اند خرید حضوری باید رفت تهران. مدیران چون خودشان تهران تشریف دارند این فرمول را گنجانده اند. مافیای ریز و درشت فقط به فکر راحتی خودشان هستند نه کارکنان نفت.

۴- ما دل سرد نمی شویم چون وطنمان را دوست داریم!

شرکت نفت فلات قاره ایران به عنوان بزرگترین شرکت فرا ساحلی جهان که به جای مانده از شرکتهای نفتی آمریکایی، فرانسوی و ایتالیایی می باشد علیرغم گذشت قریب به ۴۵ سال از خروج آن شرکتهای از ایران، کماکان فرهنگ کاری آن شرکتهای را کم و بیش حفظ نموده است. این شرکت روسا و مدیرانی در سطح مناطق عملیاتی داشت که نماد و الگوی کار و تلاش صادقاته و متعصبانه بودند. پس از انتصاب قومیتی آقای علیرضا مهدی زاده که حتا یکی از شاخصه های مورد نیاز بعنوان مدیرعامل را هم در خود نداشت، درخشش و خوشنامی این مدیران و روسای مناطق عملیاتی، زنگ خطری برای ایشان بود که حتا سابقه یک شب خوابیدن در یک سکوی نفتی را هم در پرونده خود نداشت و لذا تصمیم گرفت با خاموش کردن این ستاره های درخشان، از تابش نور بر چهره سیاه و کریه خود جلوگیری کند تا کسی متوجه بی تجربگی و ضعف مفرط فنی و مدیریتی اش نشود و لذا هریک از نامبردگان ذیل که هریک به عنوان نماد شرکت نفت فلات قاره بودند را به بهانه ای مضحک حذف نمود: ۱-عباس رجب خانی مدیر منطقه خارک ۲-امیر نیکبخت مدیر منطقه سیری ۳- بهروز علی آبادی مدیر منطقه لاوان ۴-محمد آتیار مدیر منطقه قشم ۵-عبدالرحیم داودی معاون منطقه سیری ۶-بهمن یزدان پناه رئیس مجتمع سلمان ۷-احمد میرزاییان رئیس مجتمع سروش و نوروز و پایانه شناور صادراتی خلیج فارس ۸-علیرضا جهاننیده رئیس نوسازی و تعمیرات بهرگان ۹-هدایت طیبی رئیس سکوی نوروز. آیا کسی به پیامد این برخوردهای چکشی با بزرگان مناطق عملیاتی فکر کرده است؟ آیا جوانترهای این مناطق از

این به بعد انگیزه ای برای کار و تلاش و از خودگذشتگی خواهند داشت. از وزیر نفت که خود با برخی از این مغضوبین مدیرعامل نفت فلات قاره همکلاس و هم دوره بوده است انتظار می رود قبل از اینکه مدیرعامل خام و بی تجربه فلات قاره تمامی ساختارهای این شرکت را نابود کند، برای مدیریت این شرکت فکری بکند چون همیشه خیلی زود دیر می شود از بین بردن نمادها و الگوهای کار و تلاش صادفانه در شرکت نفت فلات قاره توسط مدیر عامل جز دل سردی و بی انگیزه شدن کارگران کارآمد نتیجه ای نخواهد داشت.

۵- بن کارت و مشکلات کارگران نفت!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، شرکت نفت می گوید برای تبدیل به احسن کردن بن کارت ها ۴۵۰۰ فروشگاه در اختیار کارکنان است اما کارکنان و کارگران می گویند این ۴۵۰۰ فروشگاه کجاست؟ بیشتر فروشگاههای افق کوروش در تهران هستند. فروشگاههای آنلاین هم فقط «او کالا» کمی فعاله و دیگر هیچ. فروشگاه های حضوری در تهران فقط افق کوروش و هایپر می برد می خورند و چهار تا بقالی که البته شهرستان ها همان چهارتا بقالی را هم ندارند. شما فکر کنید بن کارت ششماهه را واریز کنند، چقدر ماست و پنیر و حلوا شکری باید از افق کوروش بخریم؟ اصلن کی گفته باید اون برندی که فقط در افق کوروش هست را باید خرید؟ شاید بخواهیم برنج از فروشگاه محل خودمان بخریم که کیفیتش بالاتره یا قیمتش ارزان تر است یا روغن برند ایکس بخریم که افق کوروش یا هایپرمی ندارند!!!! زوریه؟ طوری بن کالای اساسی را تنظیم کرده اند که برای خرید حضوری باید رفت تهران. مدیران چون خودشان تهران تشریف دارند این فرمول را گنجانده اند. مافیای ریز و درشت فقط به فکر راحتی خودشان هستند نه کارکنان نفت.

۶- نفتگران می رزمند، مافیا می لرزد!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، در روزهای شنبه و یکشنبه، ششم و هفتم بهمن کارگران ارکان ثالث در پالایشگاههای ۵، ۶، ۹، ۱۰ و ۱۲ تجمع کردند. اعتراضات هزاران نفری که پالایشگاههای پارس جنوبی را در هم نوردید و حراست را مجبور کرد چهره زشت خود را آشکار کند و تلاش کرد در پالایشگاه سوم با خشونت مانع از اعتراض کارگران گردد و با تهدید آنان را وادار به کار کند، به شکست انجامید. در همین رابطه امروز ۷ بهمن کارگران ارکان ثالث نفت و گاز گچساران در حمایت از برادران خود در پالایشگاههای سوم و دیگر پالایشگاهها، هزاران نفری به میدان آمدند. خواسته ها یکی است: «حذف پیمانکاری ها از عرصه نفت و گاز، بهره مندی از نفت-گاز کارت، و مزایای رفاهی همچون کارگران رسمی نفت» در همین راستا و به دنبال اعتراضات دوره ای کارگران نفت و گاز، کارگران پتروشیمی هگمتانه برای دومین روز در اعتراض به واریز نشدن ۷ ماه دستمزد خود تجمع کردند.

۲۰۰ کارگر به جان آمده که مقابل شرکت صنایع پتروشیمی هگمتانه شنبه و یکشنبه تجمع کرده بودند از مسوولین کر و کور همدان خواستند به مشکل آنان رسیدگی کند. در اعتراضات دوره ای کارگران فلات قاره نیز جمعه سکوی لاوان، یکشنبه سکوی سیری، کارگران بهره برداری نفت و گاز آغاچاری نیز یکشنبه تجمع کردند. در بندر ماهشهر کارگران پتروشیمی رجال ۵ ماه حقوق عقب افتاده دارند که با بستن در ورودی سایت ۳ تجمع کردند. اعتصاب، اعتراض، افزایش دستمزد، حذف دلان مافیایی نیروی انسانی حق همه کارگران شاغل در نفت و گاز و نیروگاهی است و سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران حمایت کامل خود را از این خواسته ها اعلام می کند.

۷- گسترش اعتراضات کارگران نفتگر!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، در ادامه اعتراضات هفتگی کارگران ارکان ثالث، کارگران ملی حفاری شاغل در دکل های ۲۱، ۲۵، ۳۳ در همبستگی با دیگر کارگران همکار خود امروز ۱۰ بهمن در مقابل ساختمان مرکزی شرکت، تجمع کردند. کارگران هوشیارانه عوامل تفرقه افکن ارسالی از سوی کارفرما را شناسایی و از میان خود طرد کردند و به مذاکره با کارفرما تا تعیین نمایندگانی از همه دکل ها، پاسخ منفی دادند. سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران هوشیاری کارگران این دکل ها را به آنان شادباش می گوید.

۸- کارگران ارکان ثالث مقاوم و پایدار!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، امروز سه شنبه ۱۷ بهمن بیش از ۱۰۰ تن از کارگران و کارکنان شاغل ارکان ثالث در اعتراض به بی اعتنائی های صورت گرفته مسوولین نسبت به اعتراضات خود در مقابل ساختمان مرکزی وزارت نفت در تهران زیر پل حافظ تجمع اعتراضی برپا کردند. این گروه از کارگران و کارکنان ارکان ثالث که از بخش های ستادی و اداری به مقابل وزارت نفت آمده بودند نمایندگانی را جهت مذاکره به درون وزارت نفت فرستادند. کارگران و کارکنان ارکان ثالث حذف شرکت های پیمانکاری، اجرای طبقه بندی مشاغل بدون تبعیض، بهره مندی از کلیه مزایای کارگران و کارکنان رسمی نفت را خواهانند. روزهای پایانی سال در پیش است و مشکلات کارگران هم پیش رو. امید که قبل از روزهای پایانی سال مشکلات کارگران حل و فصل شود.

۹- حوادث کار در حوزه نفت و گاز چرا رخ می دهد؟

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، بعد از حادثه جان باختن پنج تن از نیروهای «پیمانکاری

لایروبی مخزن برداسپی خطوط لوله و مخابرات نفت منطقه لرستان» و اعزام هیات های مختلف بازرسی و بررسی از وزارت نفت، پالایش و پخش و اداره کار، مجلس و پس از بررسی، علت و مقصرین حادثه نهایتن دو رییس واحد برکنار شدند و مدیر تازه به دوران رسیده این منطقه که نقش مستقیمی در انتصاب و جابجایی رییس ایمنی، که مقصر اصلی حادثه برداسپی تشخیص داده شده، با موافقین اش (رییس امور اداری، مشاور و رییس خدمات اجتماعی) همچنان مشغول برهم زدن وضعیت شغلی و کاری منطقه لرستان می باشند. رییس خدمات اداری این منطقه که قبلاً یک کارمند برق معمولی واحد برق بوده هرگونه جابجایی، اخذ سمت، ترفیع و تمام اموری که خارج از وظایف اوست، متاسفانه با اعمال نفوذ او و مدیر منطقه انجام می شود و رییس امور اداری که حتا یک بخشنامه را نمی تواند تفسیر کند به صورت یک مترسک در پشت میز امور اداری نشسته و حتا کار با کامپیوتر و سیستم امور اداری را هم بلد نیست ضمناً مدیریت حراست منطقه لرستان هم که باید نقش نظارتی داشته باشد به صورت کاریکاتوری مشغول انجام وظیفه می باشد. وقتی هیچ کسی سر جای خودش نیست معلوم است که حوادث کاری بیشتر محتمل است و نظم کاری برهم خواهد خورد.

۱۰ - معیشت کارگران نفت، به کام مافیا!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، نرم افزار تارا مربوط به هلدینگ گلرنگ (بیش ۸۰ شرکت زیر مجموعه دارد) بر اساس زد و بند با مدیران نفتی وارد عرصه معیشتی کارکنان شرکت ملی نفت شده است و علیرغم بررسی های بعمل آمده و ارسال نقطه نظرات کارکنان خارج از کلان شهرهای کشور که امکان خرید محدود از فروشگاه هایی نظیر افق کوروش و امثال آن دارند، عملن امتیاز دادن به شرکت گردن کلفت گلرنگ و در پشت آن بانک ملت و چندین مافیای اقتصادی می باشد. با توجه به محدودیت خرید از فروشگاه های بسیار تحمیلی و خارج از پسند کارکنان چند روزی هست که مبلغ کلانی از پول و اعتبار در اختیار شرکت گلرنگ و مافیای اقتصادی پشت سر آن توسط مدیران کوتاه فکر ولی در عین حال بسیار زرنگ در منافع شخصی، شرکت ملی نفت (مدیریت مالی و منابع انسانی) قرار گرفته است که از این نمذ کلاهی برای حضرات اندوخته خواهد شد. چطور ممکن است که در سطح وزارت نفت، یک شرکت اصلی و به اصطلاح پیشرو مانند ملی نفت در بغل بانک ملت و هلدینگ گلرنگ غش کند ؟ و شرکت پالایش و پخش با صدور کارت خرید از بانک تجارت مدد بگیرد؟ و شرکت گاز هم فعلاً نظاره گر و مترصد فرصت مناسب باشد تا اندکی رضایتمندی در بین کارکنان ایجاد نماید. مافیا از هوا هم کره می گیرد، چه برسد به اعتبارات.

۱۱- آتش اعتراض نفتگران خاموش نشدنی است!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، امروز دوشنبه ۱۶ بهمن ۵۰ کارگر ارکان ثالث پالایشگاه پنجم از فاز و ۱۰ پارس جنوبی در سومین روز از اعتراض خود نسبت به اجرا نشدن طبقه بندی مشاغل، ۱۴ روز کار ۱۴ روز مرخصی مانند کارگران رسمی، بهتر شدن وضعیت رانندگان استیجاری در محوطه پالایشگاه دست به تجمع زدند. از سوی دیگر ۲۰۰ کارگر پتروشیمی هگمتانه همدان در هفتمین روز از اعتراضاتشان هنوز منتظر دریافت حقوق عقب افتاده خود هستند اما بی اعتنایی مسوولین همچنان ادامه دارد. آنچه مشخص است نفتگران از خواسته های خود کوتاه نخواهند آمد و این آتش اعتراضات هر روز گسترده تر خواهد شد و بی تردید به دیگر مناطق هم سرایت خواهد کرد.

اخبار کارگران پروژه ای



۱- نفت سازه قشم در اعتصاب!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، کارگران پروژه ای شرکت نفت سازه قشم به دلیل نگرفتن ۴ ماه دستمزد مدت ۵ روز است که در اعتصاب به سر برده و کارگران از خوابگاههای خود بیرون نمی آیند. این شرکت که اجرای شمع کوبی اسکله نفتی و پایبندگ آن را اجرا می کند قوانین کمپین ۱۰/۲۰ را رعایت نکرده است و از آبان ماه تاکنون از دادن دستمزدها خودداری کرده است. در این شرکت ۲۳ روز کار و فقط ۷ روز مرخصی با کارگران محاسبه می شود. حقوق جوشکار که بیش از ۵۰ میلیون تومان است را کمتر از ۴ میلیون تومان قرار بسته است. لیست بیمه را هم طبق حقوق دریافتی کارگران به تامین اجتماعی ارسال

نمی‌کند. شوربختانه اداره کار و بازرسین تامین اجتماعی کور و کر شده‌اند. مبارک شان باد.

۲- تحریم کارگری!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، شرکت فن کار سپاهان در شهرک صنعتی فولاد بیسجان با نیرنگ کارگر استخدام کرده و حقوق و بیمه کارگران را ناقص پرداخت می‌کند. البته کارگران با مشورت سندیکا شکایتی تنظیم و کارهای دادگاهی را در اداره کار دنبال می‌کنند. این شرکت در همه زمینه‌ها چه جوشکار برق و CO2، برشکار، مونتاژکار هر روزه دست به استخدام می‌زند. سرپرست کارگاه یعقوب رضایی و مدیر اجرایی مهندس کرمی در این دغلکاری‌ها شریکند. یکی از شگردهای این شرکت رد کردن لیست بیمه یک ماه در میان کارگران به سازمان تامین اجتماعی است. دوستان کارگر، این شرکت به درخواست جمع زیادی از کارگران تحریم نیروست و کسی برای کار به آنجا نرود و آگهی استخدام این شرکت را همه کارگران افشا کنند. از همه کارگران تقاضا داریم شرکت تحریم نیرو شده را به دیگر کارگران هم اطلاع رسانی کنند تا این شرکت‌ها بدون کارگر مانده و از پروژه‌های نفت و گاز گورشان را گم کنند. کارگر متحد کارگر

۳- کلاهبرداری از کارگران!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، رضا اسدی حاجیوند (کیارسی) اهل اندیکا ساکن اصفهان که شرکتی به نام «صنعت سرزمین آریا» داشت از بس پول کارگران را نداد و فرار کرد هم حساب شخصی‌اش را مسدود کردند و هم شرکتش را به جرم کلاهبرداری بستند. ایشان برای کلاهبرداری جدید شرکت تازه‌ای به نام همسرش با نام «فرناک نگر پارتاک» تاسیس کرده و در پاسارگاد منطقه جفیر جاده اهواز- خرمشهر پیمان بسته و کار می‌کند. ایشان چون به کارگزارانش بدهکار است ۲ ماه است که کارگاهش را کارگران تعطیل کرده‌اند. او با شهادی ۹۰ درصد صورت وضعیت هایش را دریافت کرده و فقط ۱۰ درصد حسن انجام کار را طلبکار است که حتی اگر آن را هم بگیرد جواب بدهی هایش نخواهد شد چون فعلن به نفرات ماشین آلات هم بدهکار می‌باشد. او تمامی میالغ صورت وضعیت‌ها را گرفته و فعلن متواری است. با آنکه کارگران به مدیرعامل و مدیر سایت اعتراض خود را در خصوص طلب از این شهاد اعلام کرده‌اند اما بعد از چندی همه این مدیران تعویض شده و حراست پاسارگاد هم می‌گوید: «وظیفه‌ای در قبال طلب کارگران به عهده ندارد». این شهاد هر هفته پیام می‌دهد که اگر کارگران صبر کرده و شکایت نکند هفته دیگر تسویه خواهد کرد. هفته‌ای که هیچگاه نخواهد آمد. بارها به کارگران گفته ایم نگذارید یک روز حقوق تان عقب بیفتد و سریع مسئولین بالادستی شرکت پیمانکاری را از طلب خود با خبر کنید تا پول تان سوخت نشود.

۴- شرکت های پیمانکاری باید حذف شوند!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، شرکت درریز به پیمانکاری رستم جهانگیری که در پتروشیمی فراسکو مستقر بود حقوق کارگانش را از آذرماه تاکنون نپرداخته است. این پیمانکار دغلکار با بردن ۱۵۰ کارگر خود از ۱۷۰ کارگر مستقر در پتروشیمی فراسکو به پالایشگاه اصفهان، تلاش کرده است بین کارگران جدایی انداخته و حقوق این کارگران مانده در پتروشیمی را به عقب بیاندازد. شوربختانه چون کسی نمائنده تا در این باره اعتراض کند و کارگران باقی مانده هم با ۲۰ نفر زورشان به این آدم متقلب نمی رسد. ما به این کارگران توصیه می کنیم به مدیریت و حراست پتروشیمی مراجعه و تقلا کنند از باقیمانده پول جهانگیری در پتروشیمی حقوق های باقیمانده خود را تسویه کنند. به دوستان کارگری که با جهانگیری به پالایشگاه اصفهان رفته اند هم توصیه می کنیم مواظب حقوق و بیمه خود باشند. آدم متقلب همه جا متقلب است.

۵- حق خود را می گیریم!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، در پی درج خبری از پیمانکاری شرکت درریز پتروشیمی فراسکوی شیرینو عسلویه و راهنمایی سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران، امروز ۲۳ بهمن کارگران این پیمانکاری با تجمع در مقابل درب حراست پتروشیمی، از مدیریت پتروشیمی و حراست خواستند تا مسوولی پاسخگوی حقوق های عقب افتاده ایشان در این پتروشیمی و پیمانکار دغلکار آن رستم جهانگیری باشند. حراست پتروشیمی هم با کلانتری نخل تقی تماس گرفته و افسران کلانتری پس از آمدن آقای شیرانی رییس کارگاه درریز را به اطلاعات عسلویه برده و خواهان پاسخگویی ایشان و پیمانکار شدند. شیرانی هرچه به رستم جهانگیری زنگ زد ایشان از ترس جواب نداد. تا اینکه با تماس های مکرر مجبور شد تلفن خود را برداشته و در جواب اینکه: «چرا پاسخ تلفنت را نمی دهی» بگوید: «در سرویس بهداشتی بودم» در آخر از پیمانکاری تعهد گرفته شد تا حقوق های عقب مانده ۲۰ کارگر را در چند روز آینده تسویه حساب کند. آقای رستم (که موش هم نیستی) جهانگیری حقوق کارگر را به موقع تسویه کن در عوض خودت را در دستشویی زندانی نکن. دوستان کارگر، از این تجربه موفقیت آمیز برادران کارگر خود درس گرفته و شما هم در زمان عقب افتادن حقوق ها و پاسخگو نبودن پیمانکاری اینگونه عمل کنید. شرکت های پیمانکاری در پروژه های نفت و گاز باید برچیده شوند. قدرتمندی کارگران، قدرتمندی سندیکااست.

۶- پیروزی کارگران فراسکو!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، امروز ۲۵ بهمن با راهنمایی سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران و همت دوستان کارگر فراسکو، حقوق‌های کارگران شرکت در زیر فراسکو شیرینو عسویه پرداخت شد. این کارگران با راهنمایی سندیکا پس از آنکه پیمانکار بی شخصیت رستمی تماس‌های آنان را بی پاسخ گذاشت به حراست پتروشیمی مراجعه و مسوولان این پیمانکاری را به کلانتری و سپس اطلاعات استان بردند که آنان تعهد دادند ۳ روزه حقوق کامل همه کارگران را پرداخت کنند. به همت کارگران درود می‌فرستیم. پیروزی آنان پیروزی سندیکا و پیروزی همه کارگران است. برچیده شدن بساط پیمانکاری خواست همه کارگران است.

۷- اعتصاب در مخزن سازی کوه مبارک جاسک!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، ۳۵۰ کارگر شرکت‌های روژین صنعت به سرپرستی محسن گلزاری و شرکت‌صدا به سرپرستی رحمت بساقي ۲ روز است در اعتصاب به سر می‌برند. کارگران که دستمزد‌های خود را از آذرماه تاکنون دریافت نکرده‌اند و بیمه‌های آنان نیز به سازمان تامین اجتماعی واریز نشده است از ۲۳ بهمن درب ورودی پروژه را بسته و اجازه خروج هیچ کامیونی را از پروژه نداده‌اند. شرکت یاد شده به جای پرداخت مطالبات کارگران اقدام به فروش میلگردهای موجود کرده‌اند که با مخالفت کارگران روبرو گشته‌اند. کارگران می‌گویند: «آقای مهندس صادقی سرپرست کارگاه پارسیان از کسانی است که با رفتار خود موجب پدید آمدن این اعتصاب شده‌اند» سرپرستان شرکت پارسیان آقایان خوش قدم و صادقی تلاش دارند با فروش میلگردها دستمزد‌های کارگران را پرداخت کنند. این در حالی است که اگر میلگردها به فروش برسد کارگران برای کار کردن مواد لازم را نخواهند داشت. آیا این ترفندی نیست تا کارگاه را به تعطیلی بکشانند؟

۸- پیمانکاران دغلكار در عراق!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، همانطوری که در پیام‌های بسیار اعلام کرده بودیم کار در عراق تحریم نیروست، مگر اینکه قرارداد در ایران زیر نظر سندیکا و در یک دفتر حقوقی معتبر و زیر نظر سندیکا نوشته شود تا کارگر بی پناه ایرانی حقوقش حفظ شود. به گزارش که از عراق برای سندیکا فرستاده شده است خوب توجه کنید: «برادرای سندیکایی خواهش می‌کنم این خبر را فوراً اطلاع‌رسانی کنید. آدم نامردی به اسم قدیر خسروی که عرب اهواز و شغلش هم برق‌هست، در فولاد عراق پیمانکاری برداشته و از وضعیت ناآگاهی کارگران سوءاستفاده می‌کند. فیت‌ر و جوشکار به عراق می‌برد و سرکار تازه می‌گوید که لباس کار و کفش ایمنی با خودتونه. بیمه نداریم و هر اتفاقی براتون بیفته پای خودتونه و

امضا هم می گیره که حق شکایت ندارید. با بی احترامی کامل با کارگر برخورد می کنه مثل اینکه اون اربابه و ما برده ش هستیم و هر کسی هم که اعتراض می کنه سریع اخراج می کنه و حقوقش رو هم نصفه میده. متأسفانه آدم هاش که بیشتر برادر و فامیلش هستن با گول زدن کارگرا مثل رودخونه پراش کارگر می فرستند. اینجا خوابگاه هاش از عسلویه هم کثیف تره، بدون حمام و دستشویی با تعداد نفرات بالا و ساعت کار اجباری ۱۲ ساعته. آشپزها هم پاکستانی هستند و غذاهایی که می پزند کاش افتضاح باشند اصلن قابل خوردن نیستند و اکثر بچه ها اینجا همیشه اسهال دارند. لطفن به عراق برای کار نروید»

۹- کارگران هفشجانی هوشیار باشید!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، پیمانکاری سهراب خیری که در زاهدان مستقر است بیش از هر پیمانکار دیگری به دنبال جوشکار سرازیر است که بیشتر جوشکاران هفشجانی که متخصص این کار هستند را استخدام می کند. سهراب خیری یکی از بدحساب ترین پیمانکارانی است که ۴ ماه حقوق کارگرنش را عقب می اندازد. اول کار به همه کارگرنش می گوید که فقط یک ماه اول کار سخت است و از ماه دوم تسویه حقوق عقب نخواهد افتاد. در حالی که حرفهایش دروغی بیش نیست. کارگرانی که ۴ ماه برایش کار کرده اند در حال حاضر کارگاه را ترک کرده اند و این بی شعور حتا خرجی راه هم به کارگران نداده و معلوم نیست اصلن دستمزد نیروها را بپردازد یا نه. دوستان کارگر، وقتی یک ماه حقوق نگرفتید دیگر کار نکنید و تا دستمزد عقب افتاده را هم تسویه نکردید از کارگاه خارج نشوید و به مسوولین پالایشگاه، حراست و دیگر مدیران بالادستی موضوع عقب افتادن حقوق ها را اطلاع رسانی کنید و از آنان بخواهید که دستمزدهای شما را پرداخت کنند.

۱۰- برای شرکت های فراسکو/آبادراهان کار نکنید!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، پیمانکار شرکت فراسکو/آبادراهان به نام های میثم مهدوی و مرتضی مهدوی کارگران حق خواه خود را اخراج کردند. این پیمانکاران برخلاف کمپین ۱۰/۲۰ عمل کرده به جوشکاران خود ۲۵ میلیون و به کمکی ها ۱۲ میلیون حقوق می دهند با این دستمزدهای حقیرانه حقوق کارگرنش را از آبان ماه تاکنون پرداخت نکرده است. ۳۰ کارگر به جان آمده از رفتار این افراد بی شخصیت چند روز گذشته دست به اعتصاب زده اند که با بی شرمی کامل کارگران اعتصابی را از کار اخراج نموده است. دوستان کارگر این پیمانکاری را بشناسند و برایش کار نکنند.

اخبار کارگران فولاد

۱- مافیای رو در روی فولاد!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، با توجه به قول‌های داده شده در اعتصاب قبلی به نمایندگان کارگران فولاد که در حضور استاندار، فرماندار، مسوولین بانک ملی و مدیرعامل فولاد اهواز، و نیروهای امنیتی به کارگران داده شده بود در یک بدعهدی آشکار نه تنها حاضر به طبقه بندی مشاغل نیستند بلکه به کارگران پیشنهاد ۵ درصد به جای ۵۰ درصد را داده اند. آنچه مشهود است اتاق بازرگانی و مدیران اعزامی بانک ملی که پیشینه نظامی دارند و همگی در خدمت ارزان سازی نیروی کار به دستور صندوق بین المللی پول و در راستای سیاست های نئولیبرالیسم هستند تمامی این حقه بازی ها وقت کشیها را برای بیرون آمدن لایحه هفتم توسعه از مجلس و ابلاغ آن به دولت و سپس نابودی طبقه کارگر می کنند. نفت، گاز، فولاد، ذوب آهن، مذاکرات شورای عالی کار همگی تحت تاثیر مصوبه لایحه هفتم می باشد. مافیای لانه کرده در دولت، مجلس، اقتصاد منتظر تصویب آن هستند. بی اعتنائی به تظاهرات بازنشستگان تامین اجتماعی، مخابرات، فرهنگیان، کشوری، لشگری و حتا معلولان در همین راستا صورت می گیرد. اهواز امروز در زیر پالای فولاد مردان لرزید. این کارگران از استانداری به فرمانداری سپس بانک ملی و بعد به خیابان نادری و در خاتمه در پل سفید فریاد حق خواهی سر دادند. مفسدین می خواهد برای صنعت کشور تصمیم بگیرند که مرگ خانواده های کارگری را با ۱۸ الی ۲۰ درصد افزایش حقوق برای سال آینده رقم بزنند. کارگران فولاد به درستی اعلام کردند: «این شرکت قبل از هر چیز متعلق به ماست و بلایی که دولت با واگذاری بر سر این صنعت آورده عامل اصلی فساد و سومدیریت هاست. دولت پولشویی هایی که از سودهای کلان گروه ملی و شفق و اکسین صورت می گیرد، مسوول است. بانک ملی عرضه اداره شرکت را ندارد. اعتصاب کردیم تا رسیدن به مطالبات خود ثابت قدم می مانیم و مردم عزیز اهواز را با خود همراه می کنیم» سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران باز هم به رفقای خود در فولاد توصیه می کند کارگران شفق راهیان اکسین را در کنار خود داشته باشند و از مطالبات آنان نیز حمایت کرده تا اتحاد حداکثری صورت گیرد. نگذارید این بخش از کارگران را از مبارزه متحد شما جدا کنند. نماینده کارگر که برای مذاکره می رود باید از مطالبات همه کارگران چه اکسین و چه دیگر کارگران حمایت کند. حتا می توان از پتانسیل بازنشستگان اهوازی نیز برای موفقیت سود برد. اتحاد تنها چاره برای موفقیت است.

۲- اتحاد حلقه مفقوده جنبش کارگری!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، کارگران شفق فولاد اهواز سه شنبه اعتصاب و تجمع کردند. این کارگران که خواستار قراردادی شدن بودند، با برخورد خشن حراست و نیروهای امنیتی مواجه شده و مدیر حراست که به میان کارگران اعتصابی آمده بود، همگی را به اخراج تهدید کرد. این در حالی بود که نمایندگان مذاکره کننده کارگران فولاد با پذیرش درصدی از مطالبات، شیفت شب را به کار بازگرداندند و اعتصاب فولاد با این توافق حیلۀ گرایانه کارفرما شکست. این اهرمی شد تا با کارگران اعتصابی شفق فولاد برخورد تندی صورت گیرد. شوربختانه با آنکه چه در اعتصاب اول و چه در این اعتصاب به برادران خود توصیه کرده بودیم کارگران همکارشان در شفق را فراموش نکنند و از خواسته های آنان حمایت کنند، این موضوع تحقق نیافت و کارفرما با اختلاف افکنی و جدا کردن کارگران به آنچه می خواست رسید. تا زمانی که کارگران معنی اتحاد را عمیق درک نکنند و نمایندگانشان برخاسته از یک سندیکای کارگری منسجم نباشد و نماینده منتخب برای همه ۳ هزار کارگر فولاد پشت میز مذاکره ننشینند، می شود آنچه اتفاق افتاد. نمایندگان کارگری باید بدانند از خط قرمزی که در خرد جمعی تصمیم گرفته شد، حق عقب نشینی ندارند و اگر پیشنهاد جدیدی از سوی کارفرما مطرح می شود باید به خرد جمعی مراجعه و با تصمیم حداکثری به میز مذاکره برگردند. سندیکا‌های کارگری اینگونه آموزش می دهند و چنانچه نماینده کارگر از خط قرمزها عدول کند او را درجا خلع می کنند تا منافع همگانی کارگران حفظ شود. همه کارگران آگاه فولاد از همین امروز باید به آموزش اتحاد و محکم کردن حلقه های اتحاد میان همه کارگران حتا حراستی ها بکوشند و با برپایی سندیکای کارگری خود در موقعیت بعدی از حمایت حداکثری کارگران برخوردار باشند. سفره همه کارگران یکی است و رونق سفره هر کارگر موفقیتی برای همه کارگران است.

۳- کارگران فولاد دوباره به میدان آمدند!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، در پی تصمیم بخشی از کارگران فولاد که از هفته پیش آغاز شده بود و روز شنبه به نتیجه نهایی رسید مقرر شد در مخالفت با تصمیمات گرفته شده در جلسه مدیران و نمایندگان کارگران که منجر به بازگشت به کار کارگران شده بود امروز ۲۳ بهمن بخشی از کارگران با متوقف کردن قسمتی از خطوط تولیدی در مقابل ساختمان معاونت امور اجتماعی دست به اعتراض زدند. البته کارگران مهلت چند روزه ای را به مدیریت برای رفع ایرادات موجود در طبقه بندی مشاغل به مدیریت داده بودند. اجرای طبقه بندی مشاغل بطور کامل، همسان سازی دستمزدها مانند شرکت های فولادی از مهمترین خواسته هایی است که امروز مطرح شد. شوربختانه آنچه نباید رخ می داد تفرقه ای است که میان کارگران پدید آمده و خواسته های کارگران پیمانی شفق راهیان اکسین در

این خواسته ها فراموش شده است. این نادیده انگاری در مذاکرات قبلی نمایندگان با مدیریت نیز مشهود بود. کارگران فولاد زمانی موفق خواهند شد که تمامی ۳ هزار کارگر خواسته هایشان مطرح و پیگیری و اجرایی شود نه فقط بخشی. در سندیکاهای کارگری هیات مدیره و یا نمایندگان سندیکا بر خلاف «مجامع عمومی» باید پاسخگوی عملکرد خود در مذاکرات باشند. در «مجامع عمومی» افرادی که انتخاب می شوند اگر اشتباه کنند و یا از مأموریت داده شده قصور ورزند پاسخگوی کسی نیستند. کما اینکه نمایندگان انتخابی در مذاکرات برخلاف رای و نظر موکلان خود عمل کرده و امروز هم پاسخگو نیستند. نمایندگان در سندیکاهای کارگری نه تنها باید پاسخگوی اعمال خود باشند بلکه حمایت حداکثری سندیکا و اعضای سندیکا را در پشت سر خود حس می کنند. اتحاد و فقط اتحاد شرط پیروزی است

علم در ذهن مدیران جایی ندارد!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، چندی پیش مدیرعامل شرکت بهره برداری مترو که تخصص اصلی و رزومه ایشان عمران است فرموده بودند: «هیچ تضمینی برای خراب نشدن قطارهای مترو وجود ندارد» البته هیچ تضمینی برای جلوگیری از بروز عیب در هیچ دستگاهی وجود ندارد. احتمالاً ایشان اگر مدیرعامل شرکت هواپیمایی بودند پس از سقوط هواپیما می گفتند هیچ تضمینی برای سقوط نکردن هواپیما وجود ندارد! آیا جمله ایشان منطقی است؟! پس هنر مهندسی در طراحی یا بهره برداری و هنر مدیریت در آموزش و مواجهه با بحران کجاست؟! به ایشان توصیه میشود کتاب ارزیابی قابلیت اطمینان سیستم های مهندسی (روی بیلینتون-رونالد الن) را مطالعه بفرمایند.

هنر مدیریت و مهندسی حکم میکند در رفع نواقص طراحی، پایش، تعمیر و نگهداری به موقع و آموزش مستمر نیروی انسانی تلاش بی وقفه انجام گیرد. منتها گویا چون ذهن مدیریتی آقای درستی بیشتر استاتیک است و اقتصادی و کمتر با سیستم های دینامیک آشنایی دارند لذا عقیده دارند قطار خراب میشود و جلوی خرابی را هم نمی شود گرفت. به ایشان توصیه میشود جایی که آرامش و امنیت و وقت مردم و پرسنل در صف شرکت اولویت می باشد کمتر به حساب $2 \times 2 = 4$ فکر کنند همچنین برای نظرات پرسنل فنی شرکت از راهبر و تکنسین تعمیرات گرفته تا مدیران فنی بیشتر احترام قائل شوند زیرا گردانندگان بهره برداری و بحران های ضمن بهره برداری ایشان هستند! ای کاش جناب آقای درستی که در سال جاری حداقل سه سفر خارج از کشور داشته اند در خصوص مدیریت بحران و سرمایه های انسانی هم از کشورهای دیگر تجربه کسب می کردند و بدیهیات مدیریتی را مطلع می شدند و به مدیران تحت امر خود آموزش می دادند.

مسخره بازی ای به نام انتخابات!

اولین جلسه انتخابات تعیین بازرسین کانون بازنشستگان تامین اجتماعی تهران در محل کانون ۲۱ دیماه برگزار شد. این انتخابات قلابی بدون هیچ اعلام اسامی کاندیداها و در عدم حضور بازرس اداره کار برگزار شد. جالب اینجاست که صورتجلسه با امضا های مجاز برای اداره کار که حضور نماینده اش الزامی بوده است فرستاده شده است. و جالبتر اینکه اداره کار تهران نیز به این مسخره بازی مهر تایید زده است.

حال شما تصور کنید این عده که برای یک جلسه صوری این قدر تقلب سازماندهی کرده اند برای دور بعد چه نقشه ای کشیده اند؟ همچنین مشخص شد که دست بازرسان اداره کار تهران با این مسخره ها در یک کاسه است. همین مسخره ها قرار است برای معیشت و درمان بازنشستگان در سطح بالاتری به چانه زنی بپردازند کسانی که دستشان با اداره کار تهران و در سطح بالاتر وزارت کار و سازمان تامین اجتماعی در یک کاسه است.

اینهایی که تقلب می کنند و تقلب شان از سوی اداره کار تهران تایید می شود آیا می توانند حق بازنشسته را از وزارت کار و سازمان تامین اجتماعی مطالبه کنند؟؟؟؟

بازرسین کانون تهران با همدستی هیات مدیره از شفاف سازی در خصوص عملکرد مالی شانه خالی می کنند و به هیچ وجه نمی گویند درآمد کانون چقدر است و هزینه ها چیست؟؟؟

چرا هیات مدیره کانون از شفاف کردن عملکرد مالی خود هراسان است؟؟ مگر اینها پول های اعضا را کجا خرج می کنند که خجالت می کشند به اعضا گزارش دهند؟؟؟ تعداد ساختمان های خالی خریداری شده کانون بازنشستگان چه تعداد است؟؟؟ حقوق و مزایای اعضای هیات مدیره و بازرسین چه میزان است که اینها اینگونه سفت و سخت به این صندلی ها چسبیده اند؟؟؟ آیا درست است که هیات مدیره و بازرسین از کارت طلایی درمان برخوردارند تا با آتیه سازان حتمن قرارداد بنویسند؟؟؟ درآمد کانون از کرایه دادن اتاق های کانون در همکف برای فروش سمک، عینک، طرح بتا، فروش موتورسیکلت چقدر است و به جیب چه کسانی می رود؟؟؟ از فروش برنج و روغن توزیع شده در حیاط کانون چه سودی برده اند و به چه کسی گزارش می دهند؟؟؟ جالب اینجاست که وقتی پای گزارش دادن عملکرد کانون پیش می آید می گویند محرمانه است. پول ما را خرج می کنند اما وقتی قرار است به ما بگویند کجا خرج شده محرمانه می شود مگر بمب اتم خریده اند که محرمانه شده است؟؟

آقایان هیات مدیره کانون و بازرسین اگر ریگی در کفش ندارند به سوالات بالا جواب بدهند.

یکشنبه های اعتراض!

نه صندوق، نه آرا/ تحریم انتخابات!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، طبق روال همه هفته امروز یکشنبه ۱۵ بهمن در شهرهای تهران، شوش، اهواز، کرمانشاه، اصفهان بازنشستگان تجمع داشتند و شاغلین نفت هم در این روز به میدان آمدند.

20 بازنشسته فولاد در تهران و در اصفهان ۵۰ بازنشسته در مقابل صندوق خود شعار «آقازاده ها آمریکان/ گرونی هاش مال ماست» را دادند.

در کرمانشاه ۱۵۰ بازنشسته متحد کشوری و تامین اجتماعی با حضور در هوای سرد حضور یافته و شعار: «نه سرما نه گرما/ نیست جلودارمان» را داده و سخنرانان نیز صحبت هایی کردند. آقای سلیمانی معاون اداره تامین اجتماعی کرمانشاه که برای ماست مالی کردن خطاها به میان تظاهر کنندگان آمده بود با شعار: «وعده وعید که خوب بود/ اما همش دروغ بود» مواجه شد. سپس یکی از سخنرانان گفت: «چرا به جای بیمه رایگان که در قانون اساسی و تامین اجتماعی آمده به ما بیمه تکمیلی را تحمیل کردید؟» که با همراهی بازنشستگان: «بیمه های تکمیلی/ دزد سر گردنه» مواجه شد.

در شوش ۱۰۰ بازنشسته در اعتراض به عدم پوشش خواسته هایشان توسط رسانه میلی شعارهای: «ننگ ما ننگ ما/ صدا و سیمای ما-ننگ ما ننگ ما/ مخابر الدنگ ما-ظلم و ستم کافیه/ سفره ما خالیه-نه صندوق، نه آرا/ تحریم انتخابات» را سر دادند.

در اهواز ۵۰ بازنشسته طبق روال همیشگی با راهپیمایی و تجمع شعار: «ما دیگه رای نمیدیم/ از بس دروغ شنیدیم» را تکرار کردند.

در تهران، بازنشستگان تهرانی در مکانی نزدیکی کانون بازنشستگان تهران گرد هم آمده و در گفتگوی اعتراضی نسبت به مسئله تورم و عدم افزایش حقوق خودشان متناسب با آن با یکدیگر به گفتگو پرداختند. موضوع دیگری که بازنشستگان به آن پرداختند صحبت های تلگرامی شب گذشته آقای دهقان کیا بر سر موضوع افزایش حداقل حقوق ۹ میلیون تومان، یعنی کمتر از یک سوم خط فقر بود که وقتی بازنشستگان به این موضوع اعتراض کردند، ایشان مسئله منابع مالی آن را مطرح کردند و با این قضیه دایه مهربان‌تر از مادر، برای دولت شده اند. در این گفتگوی جمعی موضوع دیگری که بیان شد عدد اعلامی بانک مرکزی

برای تورم امسال ۷/۴۶ درصد بود که می خواهند با افزایش ۲۰ درصد حقوق برای بازنشستگان آنها را در فقر مطلق نگهدارند که موجب خشم بازنشستگان گردید.

۹۰ کارگر بهره برداری نفت و گاز آعاجاری در مقابل دفتر مرکزی، ۳۰ کارگر ارکان ثالث شرکت نفت و گاز گچساران و صدها کارگر ارکان ثالث پیمانکاری های پالایشگاههای ۵، ۶، ۸ نیز به میدان آمده و اعلان کردند که تجمعات را به دو روز در هفته روزهای شنبه و یکشنبه افزایش داده اند. این کارگران خواستار ۱۴ روز کار ۱۴ روز مرخصی و حذف شرکت های پیمانکاری از عرصه نفت و گاز هستند آنان در گفتگوهایشان از: «مبارزه بر سر خواسته های محقق نشده و از تهدیدات و کارشکنی های حراست و مدیریت نفت نهراسیدیم و بازگشت به شرایط قبل از اعتراضات را بر نخواهیم تابید» را متذکر شدند.

دوشنبه های اتحاد!



به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، هزاران بازنشسته مخابرات در ۱۸ شهر دست به تجمع اعتراضی نسبت به بی اعتنائی مسولین به خواسته های بازنشستگان مخابرات و عدم رعایت قوانین زدند. بازنشستگان شهرهای اردبیل، ارومیه، اهواز، خوی، زنجان، تبریز، سقز، قروه، بیجار، مریوان، سنندج، کرمانشاه، تهران، اراک، بندرعباس، کرمان، رشت، ساری مقابل شرکت مخابرات شهرهای خود به اعتراض آمده بودند. در تهران طبق روال دوشنبه های گذشته ۲۰۰ بازنشسته مخابرات در خیابان سردار جنگل راهپیمایی و شعار: «از پس دروغ شنیدیم/ ما دیگه رای نمی دیم» را دادند. آنچه در این تجمع چشم نواز بود حضور بازنشستگان تامین اجتماعی در همبستگی با این بازنشستگان بود که امیدواریم در شهرهای دیگر هم این همبستگی شکل بگیرد. خواسته های سراسری بازنشستگان مخابرات: «بی توجهی سهامداران عمده و مدیران مخابرات به آیین نامه ۸۹ و به روز نشدن کمک هزینه های رفاهی سالهای ۱۴۰۱ و ۱۴۰۲، مخالفت با افزایش کسر بیمه تکمیلی از ۲۰ درصد به ۵۰ درصد، تسویه حساب نشدن با بیمه معلم، اجرا نشدن تبصره ۱ ماده ۲۱

قانون مدیریت خدمات کشوری و تبصره ۲ ماده ۳۱ سیاست های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی در خصوص بازنشستگان بعد از خصوصی سازی، پرداخت مطالبات سالهای گذشته به روز» می باشند.

دوشنبه اتحاد، همگام با یکشنبه اعتراض!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، امروز ۲۳ بهمن ماه هزاران بازنشسته تامین اجتماعی و مخابرات در شهرهای ارومیه، اهواز، اصفهان، اردبیل، اراک، تهران، رشت، سنندج، سقز، قروه، مریوان، تبریز، کرمانشاه، همدان و شوش تجمع کردند. ۱۰۰ بازنشسته تامین اجتماعی شوش در راهپیمایی و تجمع خود در مقابل اداره تامین اجتماعی با شعارهای: «ما به جز حق نمی خواهیم/ صدقه دولت نمی خواهیم- عیدی ۲ میلیون و ۵۰۰ هزار تومانی نمی خواهیم نمی خواهیم- ننگ ما ننگ ما / مخابر الدنگ ما و صدا و سیمای ما» اعتراض خود را نسبت به عملکرد دولت در قبال بازنشستگان به ویژه در لایحه ضدکارگری هفتم بیان داشتند. از سوی دیگر هزاران بازنشسته مخابرات در شهرهای یاد شده با شعارهای: «عدالتی ندیدیم/ ما دیگه رای نمی دیم- از بس دروغ شنیدیم / ما دیگه رای نمی دیم» و دست نوشته هایی چون: «ما بازنشستگان مخابرات زیر آوار خصوصی سازی و همسان سازی جا مانده ایم، ما را نجات دهید» به خیابان آمدند. این تجمعات در حالی برگزار شد که در تهران و کرمانشاه بازنشستگان تامین اجتماعی و مخابرات با هم تجمع اعتراضی داشتند. بازنشستگان کشوری نیز برای روز سه شنبه فردا ساعت ۱۰ صبح اعلام تجمع هفتگی نمودند. سمت و سوی اعتراضات در خصوص عملکرد ویرانگرانه در قبال زحمتکشان، زیر پا گذاشتن قوانین از جمله ماده ۴۱ قانون کار در خصوص افزایش مستمری و حقوق ها، خصوصی سازی و تبعات ضد کارگری آن، لایحه ضد کارگری هفتم و تبعات نابود کننده بازنشستگان و شاغلین، بود. گرانی های روزافزون و عیدی توهین آمیز ۲ میلیون و ۵۰۰ هزار تومانی به بازنشستگان، خشم آنان را موجب شده است.

نبی اله معروفی از سرداران گمنام جنبش کارگری!



ساعت ۱۰ شب ۲۱ بهمن ۱۴۰۲ در محله کارگری حسین آباد مهرشهر کرج بعد از کارهای روزمره به دیدار نبی اله معروفی از سرداران گمنام جنبش کارگری، رفتم. گپ و گفت همیشگی و نگرانی از وضعیت جنبش سندیکایی و بویژه سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران، تعاونی مصرف کارگران فلزکارمکانیک و تعاونی مسکن کارگران صنعت فلزکارمکانیک، داشت. هرچند که از حال روز جنبش آزادیخواهی با خبر بود اما پی جوی وضعیت کارگران زندانی سندیکای کارگران فلزکارمکانیک، سندیکای کارگران شرکت واحد، آموزگاران زندانی، فعالین مدنی و زنان و ناراحت از اعدام های انجام شده هفته گذشته و در شرف وقوع بود.

نبی اله معروفی ۸۸ ساله از تاکستان قزوین، کارگر بنا و از کوشندگان و موسسین به نام سندیکای کارگران بنیان تهران بعد از کودتای ۲۸ مرداد سال ۳۲ است. او از زمره کارگرانی است که در سال ۱۳۳۰ و در شانزده سالگی توسط عمویش به سندیکای کارگران منبع آب پیوست و از آموزش های شورای متحده مرکزی زحمتکشان ایران آموخت.

آنچه مرا وا داشت تا در ۴۵ مین سال سالگشت انقلاب بهمن به سراغ او بروم و از تلاش های او در این روزهای توفانی قدردانی کنم به دلیل نقش او و سندیکای کارگران بنیان تهران در پیروزی انقلاب ضد دیکتاتوری، ضد آمریکایی و ضد امپریالیستی و خواهان عدالت و آزادی است.

«از اواخر سال ۵۶ و با شروع حرکت های اعتراضی، هیات مدیره تصمیم گرفت به طور فعال در این حرکت اعتراضی شرکت نماید. این تصمیم به بدنه سندیکا نیز منتقل شد و هر چه این حرکت اعتراضی تندتر می شد سندیکا نیز با آن همراهی بیشتری نشان می داد.

سندیکا برای سرنگونی رژیم دیکتاتوری شاه خیلی تلاش می کرد. واقعا در سال ۵۷ شعار مرگ بر شاه شعار سندیکا شده بود. اعضای سندیکا در تمام راهپیمایی ها شرکت فعال داشته و این با تصمیم جمعی هیات مدیره سندیکا بود. با آمدن روزهای توفانی انقلاب هیات مدیره و اعضای فعال و در یک کلام تمام کارگران سندیکای بنیان تهران و حومه بطور جمعی تصمیم گرفتند در انقلاب شرکت موثر داشته باشند. در این زمان کلیه کارگران فعال و استادکاران ماهر که در دهه چهل سعی در مقاطعه کاری داشتند نیز به گرد سندیکای خود جمع شده و هر روز بر تعداد کارگران بنا در سندیکا افزوده می شد در آخرین جلسات هیات مدیره در قبل از انقلاب بحث و تصمیم نهایی درباره انقلاب و پیشبرد آن مطرح بود از جمله شرکت در همه حرکت های اعتراضی، زنده کردن جنبش های صنوف و هم زمان کمک به پخش اطلاعاتیه هایی سندیکا‌های نقاش و بتون ریز و سندیکای شرکت های ساختمانی. همچنین دیگر سندیکاها نیز همراهی نشان داده آنها نیز اطلاعاتیه هایی در جهت تائید انقلاب و راهپیمایی ها صادر می کردند از جمله سندیکای کارکنان سینماها و سندیکای کارگران کوره پز خانه ها. این حرکت ها از پاییز ۵۷ شروع به رشد و هم نوایی با انقلاب کرد. کارگران فعالی که ۲۸ مرداد ۳۲ را تجربه کرده بودند دیگر نمی خواستند ۲۸ مرداد دیگری تکرار شود، به همین دلیل در هیات مدیره سندیکا‌های خود، سازماندهی و آمادگی های لازم برای حادثه شدن اوضاع و امکان بروز هر اتفاقی را پیش بینی کرده بودند. در روزهای توفانی ۲۱ و ۲۲ و ۲۳ بهمن این سازماندهی نتایج خود را نشان داد. اعضای هیات مدیره و اعضای فعال سندیکای بنیان که در گروه های مختلف سازماندهی شده بودند در روزهای انقلاب با آمادگی بهتری در انقلاب شرکت کردند و به دستور سندیکای بنا ۳ روز در خیابان های تهران به مبارزه نهایی با رژیم کودتا برخاستند. شعبان اکبری و تعدادی از اعضای سندیکا در تسخیر مسلسل سازی خیابان ژاله شرکت فعال داشتند. رحمان محمدنژاد و تعدادی از اعضای سندیکا در درگیری های نیروی هوایی خیابان ژاله، مسن آبادی در نظام آباد، اسناد مختار واحدی در تسخیر کلانتری نارمک، ولی الهه مظاهری در تسخیر کلانتری نازی آباد، حسین رحیمی و فرزندانش، حیدر صالحی و برادر زاده هایش و ابوالفتح معروفی در تسخیر شهربانی مرکز و کلانتری ۱۱ و درگیری های سلطنت آباد تلاش بی اندازه ای از خود نشان دادند. در تسخیر پادگان جی، نبی اله معروفی و آقای مقدم در خط اول مبارزه حضور فعالی داشتند. قبل از درگیری، خیابان جی را سنگربندی کرده که نبی معروفی مسئول حفاری و سنگربندی بود. با کمک مردم وسط بلوار خیابان جی را کنده دور تا دور کسبه گونی پر از خاک چیده و تحویل انقلابیون مسلح می دادند. سنگرها یکی پس از دیگری آماده و هجوم به پادگان هر زمان بیشتر می شد تا این که پادگان جی، خلع سلاح و به دست مردم افتاد. در این درگیری ها ۲ نفر از اعضای سندیکا به نام های علی اکبر و هاشم زخمی شدند. نبی معروفی که هم مسئول پخش آذوقه در بین انقلابیون بود، در روز ۲۲ بهمن از چهار راه لشکر تا میدان پاستور را نیز در حفاظت کامل قرار داده به طوریکه به جز انقلابیون مسلح که به کمک مردم می شتافتند اجازه هیچگونه ترددی را نمی داد.» (منبع: تاریخچه سندیکای کارگران بنیان تهران نوشته مازیارگیلانی نژاد ۱۳۸۶/۵/۲۰)

در گره گاههای اجتماعی و سیاسی این تشکل ها هستند که می توانند به دلیل داشتن تشکیلات، نقش موثری در تحولات ایفا کنند. سندیکاهای کارگری با آموزش و پرورش اعضا، آنان را به کادرهای با ارزشی برای دوران تحولات اجتماعی تبدیل می کنند که می توانند حتی رهبران موثری در رخدادهای سیاسی، اجتماعی، فرهنگی شوند.

نبی معروفی از زمره کوشندگانی است که هیچگاه پرچم عدالت خواهی، آزادیخواهی و انسان دوستی را حتا در ۸۸ سالگی نیز به زمین نگذاشته است و همچنان نگران فرزندان کارگرش و سندیکاهای کارگری است. او همچنان اعتقاد دارد سرمایه داری برای شکستن کمر طبقه زحمتکش از هیچ ترفندی از جمله ارایه لایحه ضد کارگری هفتم توسعه، فروگذار نیست. برایش تندرستی و عمری با عزت را خواهانیم.

مازیار گیلانی نژاد ۲۲ بهمن ۱۴۰۲

عضو سندیکای کارگران فلزکار مکانیک ایران

بهمن خونین، ماندگار تلاش ها!

دیدیم به خواب، روز محشر شده بود

انگار که انقلاب دیگر شده بود

یک مرتبه باز شد در زندانها

جمعیت کشور دو برابر شده بود!

شاعر رحیم رسولی عضو کانون نویسندگان ایران

بخش آموزش سندیکای کارگران فلزکار مکانیک

طرح طبقه‌بندی مشاغل و اهمیت آن برای کارگران

اجرای طرح طبقه‌بندی مشاغل یکی از خواست‌های عمده زحمتکشان میهن ماست. در ماه‌های اخیر کارگران در صنایع نفت جنوب، ذوب آهن، فولاد اهواز، کلاه زردها (تکنسین‌های پست‌های فشار قوی برق) و کارکنان بسیاری از کارخانه‌ها و کارگاه‌های تولیدی برای احقاق حق‌شان از جمله برای اجرای طرح طبقه‌بندی مشاغل تجمع و اعتصاب کرده‌اند. طبق قانون کار، کارفرما موظف است در کارگاه‌های با بیش از ۵۰ کارگر، طرح طبقه‌بندی مشاغل را اجرا کند، اما درحال حاضر این قانون در مواردی حتا در صنایع بزرگ کلیدی که کارکنان بیشتری دارند، اجرا نمی‌شود.

طرح طبقه‌بندی مشاغل یکی از دستاوردهای مبارزات کارگران میهن ماست. این طرح با مشخص کردن انواع مشاغل، ایجاد مناسبات صحیح کارگاه با بازار کار در رابطه با مزد و مشخص کردن شرح وظایف مشاغل مختلف در کارگاه‌ها، کارخانه‌ها، معدن‌ها و موسسه‌های خدماتی، دستمزد و مزایای کارکنان را تعیین می‌کند. با اجرای طرح طبقه‌بندی مشاغل، حقوق و مزایای کارگران با توجه به شرح وظایف و طبقه‌بندی شغل آن‌ها مشخص می‌شود. در نبود اجرای طرح طبقه‌بندی مشاغل ابهام‌هایی در مورد وظایف کاری بوجود می‌آید و کارفرما در شرایطی که وظایف کارگر مشخص نیست، از ارایه برخی امتیازها و اضافه پرداختی دستمزد و مزایا به کارگران شانه خالی می‌کند. از قبل از انقلاب بهمن، قوانین و مقررات گوناگونی در ارتباط با لزوم اجرای طرح طبقه‌بندی مشاغل تصویب شده‌اند. درحال حاضر ماده ۴۸ و ماده ۴۹ قانون کار حاوی آیین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌های اجرایی طرح طبقه‌بندی مشاغل هستند. طرح طبقه‌بندی مشاغل در مورد مزایای کارگرانی که درگیر کارهای سخت می‌باشند نیز تأثیر گذار است. کارفرما بر اساس قانون کار می‌باید برای آن‌ها ۴ درصد بیمه پرداخت کند، و در مواردی که کارفرما به هر نحوی از انجام این وظیفه خودداری می‌کند، کارگر مجبور می‌شود در زمان بازنشستگی این مبلغ را پرداخت کند تا بتواند از مزایای کامل تأمین اجتماعی استفاده کند. از شگردهای دیگر کارفرما برای خنثا کردن تأثیر مثبت طرح طبقه‌بندی مشاغل این است که کارفرما به جای حق بیمه رده‌های بالاتر از کارگر ساده، حق بیمه را در کمترین حد ممکن یعنی برای رده کارگر ساده پرداخت می‌کند، با این نتیجه که گرچه در اینجا تخلف از جانب کارفرما است، کارگر چاره‌ای ندارد که در غیر اثبات نوع شغل خود، تفاوت نرخ بیمه را پرداخت کند یا نوع واقعی اشتغال خود را ثابت کند.

کارگران پیمانی نیز از زمره زحمتکشان ذی‌نفع در اجرای طرح طبقه‌بندی مشاغل هستند. در اسفندماه سال ۱۳۸۴ به کلیه وزارتخانه‌ها و دستگاه‌های اجرایی ابلاغ شد که به شرکت‌های پیمانکاری پخت و توزیع غذا، حمل و نقل، خدمات فضای سبز، تعمیر و نگهداری ساختمان، تأسیسات و سایر خدمات عمومی قابل واگذاری به شرکت‌های پیمانکاری تکلیف شود که وضع استخدامی کارکنان خود را با طرح طبقه‌بندی مشاغل تطبیق دهند و پرداخت حقوق و مزایای قانونی آنان را طبق طرح طبقه‌بندی مشاغل به‌عهده گیرند.

دربین بسیاری از تجمع‌های کارگران در هفته‌های اخیر، اعتراض تکنیسین‌ها و کارگران فنی پست‌های فشار قوی برق (کلاه زردها) در روبروی ساختمان سازمان امور استخدامی کشور و اعتراض آن‌ها به سال‌ها بی‌توجهی به خواست‌های صنفی‌شان از جمله پایین بودن دستمزد و عدم اجرای طرح طبقه‌بندی مشاغل چشمگیر بود. کلاه زردها اعلام کردند که دستمزد و مزایایی مطابق با شغل دشوار و همچنین میزان تحصیلات و سوابق‌شان را خواستار هستند. ناامیدی کارگران از اجرای طرح طبقه‌بندی مشاغل ریشه در عدم اجرای قانون کار نیم بند کنونی و برنامه خصوصی‌سازی توسط دولت و مسئولان جمهوری اسلامی دارد: طبق ماده ۱۳ قانون کار، کارفرمای اصلی می‌بایست بر اجرای صحیح مقررات قانون کار از جانب شرکت‌های پیمانکاری نظارت کند و قبل از اطمینان از تسویه حساب کامل پیمانکار با کارگران خود از پرداخت تضمین‌های شرکت خدماتی خودداری کند. تبصره‌های ماده ۱۳ قانون کار به مسئولیت‌های وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی در مورد تدوین دستورالعمل و آیین‌نامه‌های اجرایی طرح ارزیابی مشاغل، صلاحیت مؤسسات و افرادی که طرح‌های طبقه‌بندی مشاغل در کارگاه‌ها را تهیه می‌کنند، و حل اختلاف‌های ناشی از اجرای طرح طبقه‌بندی مشاغل، می‌پردازند. ولی در عمل دولت در تمامی این موارد از اجرای قانون کار قصور می‌کند.

۸ ساعت کار با دستمزدی که بتوان یک خانواده ۴ نفری را تامین کرد، آموزش و درمان و مسک رایگان، خواست همه زحمتکشان و شعار مبارزاتی سندیکاهای کارگری است!

احضار فعالان صنفی و مدنی به دادگاه چه تبعاتی خواهد داشت؟

پس از آرام‌تر شدن فضای مطالبه‌گری جامعه، در شرایط کلی انتظار می‌رود که فشار به فعالان و مطالبه‌گران در همه زمینه‌ها زیاد شود. احضار فعالان به این دلیل است که از آن‌ها درس عبرت بسازد که اگر فعالیت نکنند به چنین قضایایی گرفتار خواهند شد در حالی که در این دوره شاهد بیشتر شدن اعتراضات، اعتصابات و عادی شدن رفتارهای جمعی در عرصه عمومی جامعه هستیم.

اقتدارگرایان هرچند می‌توانند برای فعالان هزینه به بار بیاورند و برای کوتاه مدت زمان بخرند و تعللی در رفتارهای کنشگرانه پدید بیاورند ولی رفتارهای فعالان صنفی که از حقوق جمعی و فردی خود آگاهند در میان مدت در بدنه تکثیر خواهد شد. فعالان صنفی با گفتگو درباره شرایط جدیدتر، می‌توانند نوع واکنش جمعی به آن را طوری تنظیم کنند که نه تنها هم صنفی‌های خود شرایط بهتری ببیند بلکه فضای مطالباتی جامعه را می‌توانند در شرایط بهتر قرار بدهند.

شما می‌توانید به گفتگو درباره موارد زیر دامن بزنید:

- محدود کردن تجمع‌ها و جرم‌انگاری آن تخلف به شمار می‌رود و غیر قانونی است. در این مورد، مراجع قضایی دست به رفتاری غیرقانونی و غیر بشری زده‌اند اما اگر با افراد سخن می‌گویید اجازه بدهید با اطلاعاتی که در اختیارشان قرار می‌دهید به نتیجه‌گیری برسند و تصمیم بگیرند که آن را چگونه بر زبان بیاورند.

- دلیل ترس اقتدارگرایان از فعالان صنفی را مرور کنید و اجازه بدهید قدرت فعالان صنفی نمایان شود.

- فعالان صنفی با حساسیت و آگاهی بیشتری که نسبت به قضایا دارند، خود را موظف می‌بینند که دین‌شان را به جامعه ادا کنند؛ پس قضایایی که همه را می‌ترساند آن‌ها را به همان اندازه مغلوب ترس نمی‌کند. گفتگو درباره شیوه‌های غلبه بر ترس، دوره رخوت عمومی پس از سرکوب را کاهش خواهد داد.

- هنگام اعلام خبر احضار فعالان صنفی، اطلاع‌رسانی درباره دیدگاه آنان حیاتی است. اقتدارگرایان به بر مبنای یقین مردم نسبت به مجرم بودن فعالان، که بر مبنای ایجاد شک

در میان مردم نسبت به نیت فعالان صنفی موجب قطع حمایت مردم از آنان می‌شوند. پرسش‌ها و تردیدهای ایجاد شده در ذهن مردم را با برجسته کردن نیت، منش و شخصیت فعالان پاسخ بگویید. همچنین اطلاع‌رسانی درباره برخی از ضعف‌های کوچک انسانی می‌تواند به جای تبدیل کردن فعالان به ابرانسان‌های مقدس قابل پرسش و تکرارنشده، از آنان افرادی ملموس و قابل درک به جامعه ارائه بدهد.

رفتارهای فعالان صنفی رفتارهایی قابل تکثیرند ولی شیوه برخورد شما با موقعیت ایجاد شده می‌تواند فضا را به نفع شما و فعالان احضار شده تغییر بدهد.



میشل دو مونتینی
instagram/ iam farzad yaqubi

**اگر زن‌ها رسوم و قوانین جامعه را
زیر پا می‌گذارند چندان هم گناهکار
نیستند، زیرا که این قوانین را
مردان نوشته‌اند.**



راز سرود بهاران خجسته باد!

پرده اول - عبدالله بهزادی، شعری را با عنوان سرود بهار، چند هفته‌ای بعد از ترور و کشته شدن پاتریس لومومبا، در سوگ او می‌سراید و به همسر او تقدیم می‌کند. [به بانوی سوگوار، که در ماتم شهید، بنالید و زان نوا، دل عالمی تپید.] این شعر در اسفند ماه سال ۱۳۳۹ در مجله سپید و سیاه منتشر می‌شود.

پرده دوم - کرامت الهه دانشیان، بر آن شعر آهنگی می‌گذارد و آن را با صدای خوش انقلابی اش زمزمه می‌کند. او آن سرود را به بچه‌های مدرسه روستای «سلیران» - در شهرستان مسجد سلیمان - هم می‌آموزد. [به آنانکه با قلم، تباهی دهر را، به چشم جهانیان، پدیدار می‌کنند.] تا جایی که بچه‌ها صبح‌ها به جای سرود شاهنشاهی آن را می‌خوانند. سال‌ها

بعد اما این سرود، نغمه محبوب همبندی های کرامت در زندان قصر و بعدها در سلول شماره ۱۶ زندان اوین می شود و گوش زندانبانان را پر می کند. [و این بند بندگی، و این بار فقر و جهل، به سر تا سر جهان، به هر صورتی که هست، نگون و گسسته باد!]]

کرامت دانشیان به همراه خسرو گل‌سرخ

۲۹ بهمن ۱۳۵۲ به حکم دادگاه اعدام می شود و آن نغمه برای همیشه خاموش می شود و ناگهان از پشت دیوار، سرودی به گوش می رسد. [به جوش آمدست، خون درون رگ گیاه، بهار خجسته فال، خرامان رسد ز راه...]

پرده سوم - اسفندیار منفردزاده، در حال گوش دادن به سرودی است که دو تن از دوستان و همبندهای کرامت آن را برای او می خوانند و به او می گویند: «حالا که انقلاب - بهمن ۵۷ - پیروز شده [هوا دلپذیر شد، گل از خاک بردمید، پرستو به بازگشت، بزد نغمه امید] و یک هفته به سالگرد کرامت مانده، بیا آن را به یاد او اجرا کنیم و تقدیم کنیم به همه. [به خویشان و دوستان، به یاران آشنا، به مردان تیزخشم، که پیکار می کنند] منفردزاده هم آن را می نویسد و خود همه سازهایش را می نوازد و میکس می کند. بعد اسفندیار با پدرام اکبری، حسن فخار، فرهاد مافی، عبدالله و ابوالفضل قهرمانی و علی برفچی آن را می خوانند و ضبط می کنند و نوار ضبط شده را به مراسم یادبود کرامت دانشیان و خسرو گل‌سرخ که در مدرسه عالی تلویزیون در حال برگزاری است، می رسانند. سرود، برای اولین بار پخش می شود. [بهاران خجسته باد!... بهاران خجسته باد!...]

سرود بهار (شعری که در مجله سپید و سیاه منتشر شد)

هوا دلپذیر شد گل از خاک بردمید

پرستو به بازگشت بزد نغمه امید

ز بازی ابر و مهر به نیلی سپهر ژرف

به هر لحظه تازه ای نمایان شود شگرف

به جوش آمدست خون درون رگ گیاه

بهار خجسته فال خرامان رسد ز راه

به خویشان و دوستان به یاران آشنا

به مردان تیزخشم که پیکار می کنند

به آنانکه با قلم تباهی دهر را

به چشم جهانیان پدیدار می کنند

به بانوی سوگوار که در ماتم شهید

بنالید و زان نوا دل عالمی تپید

بهاران خجسته باد!

و این بند بندگی و این بار فقر و جهل

به سر تا سر جهان به هر صورتی که هست

نگون و گُسته باد.

روایت شاعرانه خبر بهار

بهار،

بیخبر آمده بود!

شنیده بود که،

بیخبری خوش خبریست؛

بیخبر،

سراغ بیخبران آمده بود.

آواز و ترانه،

باران و شکوفه،

نور بر زمین آمده بود.

در سراسر روز،

آفتاب ترانه نور می خواند.

در سراسر شب،

از آسمان آواز می بارید.

با نور،

شکوفه می ریخت.

عطر شکوفه

درختان را در آغوش گرفته بود.

همه جا پر از آفتاب بود

و با آن،

زمین سراسر سبزه شده بود.

زمین می درخشید و

ستارگان،

به زمین خاکی آمده بودند.

خبرها بسیار بود و

در دلها،

آشکارا بهار آمده بود.

محمد مسعود سال ۱۳۹۱



اولین اعتصاب تاریخ در ۳ هزار سال پیش در مصر باستان چگونه انجام شد؟

در میان کشورهای جهان فرانسه به کشور اعتصابات معروف است. با این حال وقتی صحبت از تاریخ می‌شود، این مردمان مصر باستان هستند که اولین اعتصاب ثبت شده را در چیزی در حدود ۳ هزار سال پیش ترتیب داده‌اند. دهکده باستانی «دیرالمدینه»، جایی که آثار این اعتصاب در آنجا پیدا شده است، محل زندگی و کار صنعتگرانی بود که ساخت مقبره‌ها و معابد فراعنه را در دوره پادشاهی نوین (پروئوق ترین دوران در تاریخ مصر از ۱۵۸۰ تا ۱۰۷۷ قبل از میلاد) بر عهده داشتند. گیمت آندرو لاتونه، مصرشناس و باستان‌شناس، در این باره می‌گوید: «روستای دیرالمدینه در کرانه غربی، یا بخش گورستان‌ها، قرار داشت و کارگاه ساخت و ساز در دره‌ای کمی دورتر از رودخانه واقع شده بود. این کارگاه بسیار سازمان‌یافته بود و مصالح و تجهیزات از طریق زورق‌هایی در نیل به این ناحیه ارسال می‌شدند. این روستا حدود ۶۰ خانه داشت که تا ۱۲۰ صنعتگر در آن سکونت داشتند و به کار ساخت مقبره‌های سلطنتی اشتغال داشتند. این گروه از صنعتگران که مقبره‌های آمنهوتپ، توت‌موس، رامسس و توت عنخ آمون را مدیون آنها هستیم، از سنگ‌تراشان، مجسمه‌سازان، سنگ‌شکن‌ها و حتا نقاشان تشکیل شده بودند و از آنجا که وابسته به دربار بودند، موقعیت اجتماعی بالایی داشتند. پیرتاله، استاد مصرشناسی در دانشگاه سوربن پاریس در این باره می‌گوید: «دور از این تصور رایج که سازندگان اهرام برده‌هایی بودند که مدام شلاق می‌خورند، کارگران این نوع کارگاه‌های ساختمانی برعکس «کارمندان دولت» به حساب می‌آمدند. مطابق اسناد به دست آمده از دربار پادشاهی نوین مصر باستان آنها دستمزد دریافت می‌کردند، به خودشان و احتمالاً خانواده‌هایشان غذا داده می‌شد و برای کارشان پاداش نیز دریافت می‌کردند. ما همچنین می‌دانیم که آنها از یک رژیم غذایی

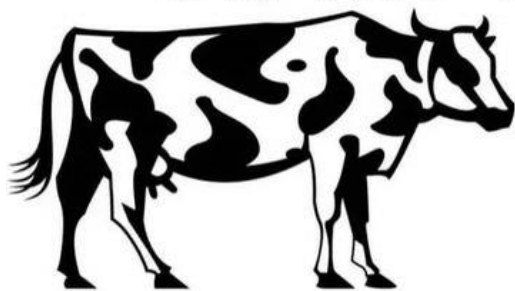
متنوع، فراتر از آن چیزی که برای طبقه کارگر انتظار می‌رود سود می‌بردند و رژیم غذایی روزانه آنها شامل گوشت، مرغ، ماهی، محصولات لبنی و حتا محصولات کمیاب‌تر مانند عسل یا خرما بوده است» با وجود کیفیت تقریباً خوب زندگی، در همین روستای دیرالمدینه بود که قدیمی‌ترین مورد اعتصاب مکتوب تاریخ در سال ۲۹ سلطنت رامسس سوم صورت پذیرفت. شرح این اعتصاب در پایروسی که توسط یک کاتب در سال ۱۱۶۶ قبل از میلاد نوشته شده آمده است.

اما چرا صنعتگران شروع به شکایت از وضعیت زندگی خود کردند؟

در حالی که سلطنت رامسس دوم سرشار از فتوحات بود و مصر را آباد کرد، جانشین او رامسس سوم برای حفظ ثروتی که به او رسیده بود دچار مشکل شد و باید با قبایل و دسته‌های متعددی می‌جنگید. این درگیری‌های مسلحانه، همراه با فساد فزاینده، مشکلات کشاورزی و همچنین تمایل فرعون برای رقابت با آثار معماری عصر رامسس دوم، هزینه‌های سنگینی بر بودجه سلطنتی تحمیل کرد به طوری که در آن سال به یکباره صنعتگران دیرالمدینه از دستمزد محروم شدند. گیمت آندولاتونه در این باره می‌گوید: «خزانه دولت در حال خالی شدن بود و رامسس سوم توهمات بزرگش را ادامه می‌داد. از آن جمله که یک مقبره بسیار بسیار بزرگ می‌خواست و به همین خاطر تیم افزایش یافته و به نیروی کار ۱۲۰ نفری رسید. جایی که دیگر دولت قادر به پرداخت دستمزدهایشان نبود» پس از این اتفاق، صنعتگران روستا تصمیم گرفتند که دیگر کار نکنند و دست به اعتصاب بزنند. آمانخت کاتب، در پایروسی که امروزه در موزه تورین ایتالیا نگهداری می‌شود، می‌نویسد: «دومین ماه زمستان، روز دهم. در این روز اکیپی از صنعتگران از مقابل پنج نگهبان عبور کرد در حالی که شعار می‌دادند: «ما گرسنه‌ایم، زیرا ۱۸ روز از این ماه گذشته است. آنها سپس پشت معبد توتموس سوم تحصن کردند». معمولن وظیفه کاتب این است که همه اتفاقات شامل پیشرفت کار و مشکلات پیش‌آمده در سایت را ثبت کند. از این رو او شاهد اولین جنبش اعتصابی شناخته شده در تاریخ لقب گرفته است. پیرتاله توضیح می‌دهد: «ما به وضوح می‌بینیم کاتبی وجود داشته که وضعیت را مشاهده می‌کند تا به مافوق خود گزارش دهد و چشم‌انداز نسبتن دقیقی از آنچه اتفاق می‌افتد به آنها ارائه دهد. زمانی که مسئولان تلاش می‌کنند صنعتگران را متقاعد کنند که به سر کار بازگردند، آمانخت کاتب بار دیگر پاسخ آنها را چنین نقل می‌کند: «اگر به این نقطه رسیده‌ایم، از گرسنگی و تشنگی است. دیگر نه لباس، نه روغن، نه ماهی و نه سبزیجات وجود دارد. در این باره به فرعون مولای خوب ما و به وزیر مافوق‌مان بنویسید تا روزی ما داده شود.» این اعتصاب چندین

روز ادامه داشت و به گفته کارشناسان تصادفی نبوده که در جلوی معبد تظاهرات برگزار شده چرا که «معابد جزو مراکز اقتصادی واقعی حکومت به حساب می‌آمدند و بخشی از حق‌الزحمه غیرنقدی را تأمین می‌کردند.» در روستای دیرالمدینه، برچسب‌هایی شکسته بر روی کوزه‌های مخصوص حمل گوشت، آبجو و شراب یافت شده است. بسیاری از این ظروف از معبد بزرگ رامسس دوم در گورستان می‌آمدند و بنابراین این واکنشی منطقی از سوی کارگران بود به جایی بروند که کمک‌های غذایی اضطراری برایشان ارسال می‌شود. نوشته‌های پاپيروس به ما این امکان را نمی‌دهد که دقیقاً بدانیم وقایع چگونه به پایان رسید. اما به نظر می‌رسد پس از چند هفته اعتصاب، در نهایت جیره‌های غذایی به کارگران داده شده است و صنعتگران در اعتصاب خود پیروز شدند.

سال ۱۴۰۳ سالی است که شما یک گاو
دارید اما تقاضا برای شیر و گوشت آن
ندارید اما مالیاتش را باید بپردازید



سال ۱۴۰۳ به زبان ساده

ریخت و پاش از جیب بازنشستگان ممنوع

"در نظر سنجی میزان رضایت از کسر ۱٪ حق مسکن از فیشهای حقوقی بازنشستگان که به حساب کاتونها ریخته و پولی در حدود ۱۱۰ میلیارد تومان در سال تخمین زده می شود، که فقط در یک گروه بازنشستگان از ۵۰۸ نفر شرکت کننده تنها ۴۲ نفر از کسر این مبلغ رضایت داشته اند و ۴۰۶ نفر عدم رضایت خود را نشان داده اند. یعنی ۹۲ درصد راضی به کسر این پول نمی باشند و تنها ۸ درصد اجازه داده اند که این پول کسر گردد که احتمالاً موافقان کسانی باشند که نفعی بیش از آن یک درصد به حالشان دارد. این نظرسنجی نشان از نارضایتی از کاتونها دارد، هدف از ورود به کاتونها توسط این افراد انتخاب شغل دوم و پر درآمد است و نفعی به سود جامعه بازنشسته ندارند".

به نظر سندیکا، کاتونها با توجه به مسئولیت و حوزه فعالیتشان با دو نفر نماینده واقعی و دغدغه مند و بدون ریخت و پاش اضافی قادر به انجام امورات بازنشستگان می باشند و هزینه های اضافی هیات مدیره و پرسنل را باید صرف زیر ساخت های نمود که بازنشستگان علیرغم مشکلات جسمانی برای موارد جزئی، بار هزینه ی ایاب و ذهاب و ترافیک را بدوش نکشند

قانون جدید استرالیا: کارمندان می توانند در ساعات غیراداری پاسخ کارفرمای خود را ندهند

سنای استرالیا طرح جدیدی را تصویب کرده است که با نام حق جدایی از کار شناخته می شود و به کارمندان اجازه می دهد تا در خارج از ساعات اداری، تماس ها و پیام های کاری را نادیده بگیرند. بدین ترتیب استرالیا هم به جمع کشورهایی می پیوندد که قوانین مشابهی را برای ایجاد تعادل بین زندگی شخصی و کاری افراد اجرا می کنند. به گزارش بیزینس اینسایدر، طرح قانون حق جدایی از کار در ساعات غیراداری اکنون به مجلس نمایندگان برمی گردد تا تأییدیه نهایی بگیرد. با این قانون، کارمندان این حق را خواهند داشت که در خارج از ساعات اداری به تماس ها و پیام های کاری غیرمعتولانه پاسخ ندهند. به موجب این قانون، اگر شرکتی کارمندان خود را بابت پاسخ ندادن به این درخواست ها جریمه کند، خودش جریمه خواهد شد.



پدر شیرجه ایران تقی عسگری!

فدراسیون جهانی ورزش‌های آبی هم زمان با برگزاری رقابت‌های جهانی در قطر، از تقی عسگری، پیشکسوت شیرجه ایران که در آستانه صد سالگی است تجلیل کرد و او را به عنوان «سفیر فدراسیون جهانی» برگزید. سایت فدراسیون جهانی نوشت: «عسگری پس از ۷۳ سال از کسب مدال در اولین دوره بازی‌های آسیایی، این بار در مسابقات جهانی و در ۱۰۰ سالگی روی سکوی پرش می‌رود» حسن المسلم، رئیس فدراسیون جهانی این رشته پس از شیرجه آقای عسگری، مدال طلایی به او، به عنوان مسن‌ترین فرد حاضر در این مسابقات، اهدا کرد.

عسگری، پدر شیرجه ایران، متولد بهمن سال ۱۳۰۳ است و از سال ۱۳۲۳ در شیرجه قهرمانی کشور مدال‌آور بود و تا ۴۱ سالگی عنوان قهرمانی ایران را در اختیار داشت.

عسگری با شیرجه خود در ۹۹ سالگی ثابت کرد که سن فقط یک عدد است.

دزدی فقط بالا رفتن از دیوار مردم نیست!

وقتی پزشکی برای «نفع رساندن» به همکار و رفیق رادیولوژیست خود، بیمار بی خبر از همه جا را به او حواله میکند، این دزدی است!

وقتی راننده تاکسی مسافر شهرستانی ناآشنا را در شهر دور خودش می چرخاند و دو برابر کرایه میگیرد، این دزدی است!

وقتی تعمیرکار ماشین با دست های چرب و چیلی و درحالیکه عرق پیشانی اش را پاک میکند، برای تعویض یک پیچ از شما دویست هزار تومان می گیرد، شما نمیدانید و تشکر هم می کنید، ولی خودش میداند که حق العمل اش پنجاه هزار تومان است، این دزدی است! وقتی کارمند مملکت به جای کار، می گوید سیستم قطع و بازی می کند و فیلم داندلود می کند، این دزدی است!

وقتی مدیری به جای حل کردن مشکل مردم، مدام وعده میدهد، اعتماد آنها را می دزدد و در ادامه ایمان و دین و باورش هم به خدا کمرنگ می شود، این دزدی است!

وقتی استاد بدون مطالعه وارد کلاس می شود و برای پر کردن وقت کلاس از دانشجوها می خواهد یکی یکی بیایند و کنفرانس! بدهند، این دزدی است!

وقتی کارخانه داری به جای لیمو، اسید سیتریک می ریزد توی شیشه و به اسم آبلمیوی خالص به خلق اله میفروشد، این دزدی است!

وقتی مامور بهداشتی اینها را می بیند و صورتش را آنطرف میکند، این دزدی است!

دزدی فقط جیب بُری توی اتوبوس نیست، دزدها هم همیشه روی دست شان خالکوبی های گنده ندارند و کاپشن خلبانی نمی پوشند!

دزدها میتوانند بوی خوش ادکلن بدهند، ساعت گرانیقیمت ببندند، می توانند لباس مارک دار بپوشند و حرفهای قلمبه سلمبه هم پست کنند و بزنند، اما وقت و عمر مردم را بدزدند!

دزدهای تابلودار! دزدهایی که دست و پایشان را خالکوبی اژدها می کنند، به مراتب از دزدهای کت و شلوار پوش و ادکلن زده قابل تحمل ترند!

اعتصاب کشاورزان فرانسوی و کارگران حمل و نقل آلمانی

کشاورزان فرانسوی در روز یازدهم فوریه با محاصره نمادین پاریس، دولت را وادار کردند که با بسته‌ها و قوانین حمایتی گام اول را برای نشان دادن حسن نیت خود بردارد.

-تشکل‌های کشاورزان فرانسوی قدرت زیادی دارند. آنان می‌توانند براساس قانون تصمیم‌های دولت را زیر سوال ببرند، رستم از اعضای صنف خود بخواهند که مردم را گرسنگی بدهند و چنین عملی در شمار مبارزات بدون خشونت سنجیده می‌شود. کشاورزان با پرتاب تخم‌مرغ به ساختمان‌های دولتی خشم خود را نشان دادند و چنین رفتاری ممنوع نیست.

-کشاورزان فرانسوی خود را برای یک ماراتون آماده کرده‌اند و با خودشان چادر، پتو، رختخواب و وسایل خوراک پزی بردند؛ آن‌ها با بستن مسیرهای ارتباطی به پاریس را رستم محاصره کردند، و بعد در همان جاده‌ها به باد زدن منقل کباب پرداختند.

-رسانه‌ها با پوشش اخبار اعتصاب کشاورزان فرانسوی موقعیت ویژه اعلام کردند و با هم رقابت می‌کنند. شمارعکس‌ها، گزارش‌ها و ویدیوهایی که کشاورزان را دقیقه به دقیقه در صدر اخبار می‌نشانند، فضا را به نفع آنان تغییر داده است.

-هرچند کشاورزان برای مدت طولانی‌تر از اخبار موقت در صدر خبرها قرار گرفتند، ولی شبکه‌های اجتماعی نیز نشان از آن دارد که خود کشاورزان نیز به اخبار رسمی بسنده نکرده‌اند و بسیاری از آنان درباره شرایط خود با هشتگ‌های مداوم اطلاع‌رسانی می‌کنند.

-پلیس به وظایف خود آگاه است و نسبت به راه‌پندان کشاورزان واکنشی نشان نمی‌دهد، سازمان‌دهندگان را دستگیر نمی‌کند و برعکس، در برخی بخش‌ها در شهر تامین امنیت آنان را بر عهده دارد تا چهره خوبی از خود نشان بدهد.

-هنگامی که کشاورزان فرانسوی خشم و جدیت خود را به معرض نمایش گذاشته‌اند، (به ویژه در موج‌های هفته‌های پیش) کشاورزان آلمانی از آنان حمایت کردند و در اقدامی که در رسانه‌ها بازتاب یافت، ساختمان شهرداری و برخی دیگر ساختمان‌های دولتی را با کود پوشاندند. رسانه‌ها نوشتند:

دیروز، بر اساس فراخوانی از پیش تعیین شده، کشاورزان خشمگین فرانسوی در مطالبه شرایط بهتر معیشتی، با هزاران تراکتور جاده‌ها و بزرگراه‌های اطراف پاریس را مسدود کردند، یونجه‌های اطراف جاده را به آتش کشیدند و مترسک‌هایی را نیز از پل‌ها آویزان کردند. به گزارش یورونیوز، کشاورزان گفته‌اند که هدفشان از بستن مسیرهای منتهی به پاریس قطع عرضه مواد غذایی به این شهر و «گرسنگی دادن» به مردم پاریس است. این کشاورزان به درآمد پایین، تشریفات اداری و سیاست‌های زیست‌محیطی که هزینه‌ها را در فرانسه و اروپا افزایش می‌دهد، اعتراض دارند. به گفته آن‌ها یکی از دلایل به وجود آمدن این مشکلات واردات غلات یارانه‌ای اوکراین به اتحادیه اروپا است. دولت فرانسه با وعده ارائه کمک‌های نقدی اضطراری و نیز کنترل مواد غذایی وارداتی تلاش دارد تا خشم کشاورزان را فرو بنشاند.

«از سوی دیگر میلیون‌ها مسافر در آلمان به دلیل اعتصاب یک روزه کارگران حمل‌ونقل عمومی، سفرشان مختل شده است. اتوبوس‌ها، قطارهای محلی و ایستگاه‌های تراموا در سراسر کشور به غیر از بایرن دست از کار کشیدند زیرا کارگران خواستار حقوق و شرایط بهتری هستند.

آلمان اخیراً دستخوش شماری اعتصاب بوده و این آخرین مورد از آنهاست که حمل و نقل مسافران را مختل کرده است. هفته گذشته قطارهای بین شهری به مدت پنج روز کار نکردند و در روز پنجشنبه هزاران پرواز لغو شد. اتحادیه راهبران قطار آلمان (GDL) خواستار کاهش ساعات کار از ۳۸ ساعت به ۳۵ ساعت در هفته، به علاوه ۵۵۵ یورو بیشتر در ماه و پاداش غرامت تورمی است. دویچه‌بان تاکنون ۱۱ درصد افزایش دستمزد را برای یک دوره ۳۲ ماهه و همچنین پاداش لازم برای جبران تورم پیشنهاد کرده است که اتحادیه راهبران قطار آن را ناکافی دانسته بود.

اعتصاب یک حق شناخته شده در اصل ۲۷ قانون اساسی، منشور حقوق بشر و منشور جهانی سندیکاهاست. اعتصاب و راهپیمایی یک حق شهروندی است و کسی حق جلوگیری از آن را ندارد.

پزشکان کوبایی به کمک ایتالیای سرمایه داری می‌آیند!

این دومین بار در چهار سال گذشته است که گروهی از پزشکان کوبایی به ایتالیا کمک می‌کنند تا از بحران خارج شود. اینکه کشور فقیری مانند کوبا به کشور ثروتمندی مانند ایتالیا پزشک می‌فرستد، دست کم عجیب است. دقیقاً چه اتفاقی دارد رخ می‌دهد؟

کمبود مزمن تجهیزات و پزشک

در آغاز بحران کووید، ویروس ایتالیا را کوبیده بود. سراسر دنیا تصویرهای وحشتناک بیمارستان‌های مملو از بیماران در حال مرگ را به یاد دارند. سپس کوبا یک تیم پزشکی برای مقابله با بدترین رنج‌ها اعزام کرد. پس از کنترل بیماری همه‌گیر، پزشکان و پرستاران کوبایی به خانه بازگشتند.

دو سال بعد، تیپ دیگری از پرسنل پزشکی کوبا به ایتالیا، به ویژه به کالابریا، جنوبی‌ترین منطقه ایتالیا نقل مکان کرد. این تیپ همچنان فعال است. این بار مسأله نه بر سر یک موقعیت اضطراری، بلکه کمبود جدی و مزمن پزشکان ایتالیایی در منطقه است. به عنوان مثال، تقریباً نیمی از جای خالی پزشکان اورژانس در سال ۲۰۲۰ در ایتالیا پر نشده بود.

این کمبود به دلیل مهاجرت گسترده پزشکان ایتالیایی به خارج از کشور است. بین سال‌های ۲۰۱۹ تا ۲۰۲۱، ۲۱۰۰۰ پزشک، اکثراً جوان، و ۱۷۰۰۰ پرستار به کشورهای به طور عمده اروپایی و همچنین کشورهای حاشیه خلیج فارس رفتند، جایی که می‌توانند درآمد بیشتری داشته باشند. بر اساس یک نظرسنجی، ۴۰ درصد از کادر پزشکی ایتالیا در حال بررسی ترک کشور هستند. پزشکان همچنین به کلینیک‌های خصوصی ایتالیایی روی می‌آورند که به آن‌ها پول بیشتری می‌دهند.

یا دارو برای پول؟

در کوبا متخصصان، پزشکان عمومی و سایر پرسنل بهداشتی حقوق می‌گیرند. به عبارت دیگر، آن‌ها کارمند هستند. در اروپا، در یک سیستم مبتنی بر مزایا و دستمزدهای افتخاری، پزشکان و بیش از همه، متخصصان تمایل به «خودمختار» بودن دارند و به دنبال بالاترین درآمد ممکن هستند.

برای بالا نگه داشتن این دستمزدها، اغلب کمبود مصنوعی ایجاد یا حفظ می‌شود. پزشکان مازاد موجب کاهش درآمد پزشکان و متخصصان می‌شوند. به همین دلیل، «اتحادیه‌های» پزشکی در کشورهای اروپایی کوشش می‌کنند دسترسی به تحصیلات پزشکی را محدود نمایند.

و سپس در این بخش کمبود وجود دارد. این کمبود در ایتالیا به شدت احساس می‌شود. در طول همه‌گیری دولت قول داد که در بهداشت عمومی سرمایه‌گذاری بیشتری کند. اما این فقط وعده بود. دولت راست افراطی ملونی در حال کاهش هزینه‌های بهداشتی است. در سال ۲۰۲۳ هزینه ۶،۶ درصد از تولید ناخالص داخلی بود، در سال ۲۰۲۵ فقط ۲،۶ درصد خواهد بود، در زمانی که جمعیت ره به پیری است و نیازها در حال افزایش هستند.

در حالی که دستمزد متخصصان به میزان قابل توجهی کمتر از کشورهای همسایه است، حقوق سایر پزشکان و کارکنان بهداشتی در بیمارستان‌های دولتی به طرز فجیعی پایین است. پس جای تعجب نیست که کمبود شدید پرسنل پزشکی وجود دارد و کارکنان مراقبت‌های بهداشتی در اوایل دسامبر اعتصاب کردند. تخمین زده می‌شود که ۸۵ درصد از پرسنل بهداشتی کار را متوقف کرده‌اند.

این نشان می‌دهد که کشوری که در آن راست افراطی حکومت می‌کند، برای گذران زندگی باید به پزشکان «کمونیست» متوسل شود.

نویسندگان: مارک واندپیت، تون دانهیو برگردان: ایرج زارع

خواسته های انقلاب بهمن ۵۷

- ۱- برچیده شدن زندانها ۲- انحلال دستگاه امنیتی شکنجه گر ۳- آزادی اندیشه و مطبوعات برای همه مردم ۴- آموزش و پرورش رایگان تا سطح دانشگاهها
- ۵- درمان رایگان برای همه مردم ۶- رفع بیکاری و توسعه صنعت ۷- رفع گرانی با سیاست های مردمی ۸- رایگان شدن مسکن ۹- کوتاه شدن دست شاهزادگان و هزار فامیل از سر اقتصاد ۱۰- نابودی فراماسیونری و.....



۳۰ هزار کشته در غزه که نیمی از آنان کودک هستند، نشان از نسل‌کشی است که اسرائیل با بی‌شرمی به راه انداخته و جهان سرمایه‌داری از آن حمایت می‌کند.

ما شفا خواهیم یافت
دردها و رنج‌ها مان پایان می‌پذیرند
آرامش خواهد آمد
اندکی بیش دوام آرید
بیرون در
مرگ‌نه
که زندگی در انتظار ماست
بیرون در
جهانی پر شور است

_____❤️ ناظم حکمت



«خواب خرس قطبی» عنوان عکسی است از یک خرس قطبی کم سن و سال که روی کوه یخ خوابیده است. این عکس توسط نیما ساریخانی، عکاس ایرانی-بریتانیایی ثبت و برنده جایزه بهترین عکس سال حیات وحش در سال ۲۰۲۴ شد. نیما ساریخانی عکاس ایرانی بریتانیایی برای ثبت این تصویر که مدیر موزه تاریخ طبیعی لندن آن را «میخکوب‌کننده و تکان‌دهنده» توصیف کرده است سه روز در جستجوی خرس‌های قطبی بوده و در میان مه غلیظ در مجمع‌الجزایر سوابارد، در شمالی‌ترین نقطه نروژ ثبت شده است.

داگلاس گور، مدیر موزه تاریخ طبیعی لندن درباره این عکس گفته است: «تصویر تامل‌برانگیز او یادآور پیوند یکپارچه بین یک حیوان و زیستگاهش است و اثرش همچون نمایشی تصویری است از مضرات تغییرات اقلیمی و از دست دادن محیط زیست».

ساریخانی با کسب رکورد ۷۵ هزار رأی، از میان ۲۴ فینالیست دیگر برنده این جایزه شد. این ۲۵ فینالیست توسط موزه تاریخ طبیعی لندن و هیئت داوران بین‌المللی از بین ۵۰ هزار عکس ارسالی انتخاب شدند

چرا یافتن حیات در مریخ می‌تواند «بدترین خبر» برای بشر باشد؟

ممکن است شما نام «پارادوکس فرمی» به گوشتان خورده باشد؛ تناقضی که برای اولین بار توسط انریکو فرمی فیزیکدان برجسته قرن بیستم مطرح شد. سوال بنیادینی که او پرسید به طور خلاصه این بود که با توجه به احتمال بالای وجود حیات بیگانه در جهان خارج، چرا هیچ کسی تا حالا با ما تماس نگرفته است؟

در حالی که تخمین‌هایی نظیر «معادله دریک» پیش‌بینی می‌کنند تعداد بسیار زیادی تمدن هوشمند فرا زمینی در پهنه کهکشان حضور دارند، انریکو فرمی استدلال کرد که اگر چنین است و حتی احتمالاً آنها به خاطر قدمت طولانی‌تر در مراحل بسیار پیشرفته‌تری از ما قرار دارند، پس چرا ما از آنها پیامی دریافت نکرده‌ایم و چرا این موجودات هوشمند کاری را که ما در فرستادن کاوشگر و جستجو برای نشانه‌های حیات می‌کنیم انجام نمی‌دهند؟

پارادوکس فرمی تصریح می‌کند با توجه به وجود میلیاردها ستاره شبیه به خورشید در کهکشان ما، و در نتیجه دستکم میلیون‌ها سیاره نظیر زمین، این امری عجیب است که ما علیرغم سال‌ها رصد امواج فضایی هنوز به نشانه‌ای دال بر حیات بیگانه در کهکشان خودمان دست نیافته‌ایم. حتی با فرض امکانات محدود ما در این زمان و سرعت کم سفر میان ستاره‌ای، رفتن از این سو تا آن سوی کهکشان راه شیری حدود یک میلیون سال بیشتر طول نمی‌کشد و به همین خاطر ما باید قاعدتاً خبری از حیات بیگانه می‌داشتیم.

یک توضیح تنوریک برای این تناقض، ایده «فیلتر بزرگ» است. این فرضیه می‌گوید قبل از اینکه تمدن‌های بیگانه بتوانند به نقطه‌ای برسند که منظومه ستاره‌ای و سپس کهکشان خود را ترک کنند، اتفاقی می‌افتد که آن‌ها را از انجام این کار باز می‌دارد. در واقع حیات بیگانه در مسیر فرگشت خود در این جهان‌ها به مانع سختی برخورد می‌کند که نمی‌تواند از آن عبور کند و در نتیجه اکثر یا همه آنها بدون اینکه بتوانند ردی از خود در جهان باقی بگذارند منقرض شده و از میان می‌روند.

چیزی که این موضوع را بسیار جالب می‌کند این است که نمی‌دانیم آیا ما به عنوان بشر از «فیلتر بزرگ» گذشته‌ایم یا اینکه چنین چیزی قرار است در آینده ما اتفاق بیفتد. آیا ممکن است بخش اعظم حیات بیگانه در همان مرحله عمر تک سلولی متوقف شده‌اند ولی فقط ما از این فیلتر عبور کرده باشیم؟ یا مانند دیگر تمدن‌های بیگانه در مرحله‌ای قرار داریم که

با جنگ یا تمام کردن منابع در حال نابودی خودمان هستیم قبل از اینکه بتوانیم زمین را ترک کنیم؟ برخی از فیلسوفان و دانشمندان می‌گویند این بدان معناست که اگر مثلاً حیات را در مریخ پیدا کنیم، این خبر بدی برای ما خواهد بود. نیک بوستروم، استاد فلسفه در دانشگاه آکسفورد انگلیس، می‌گوید امیدوار است بشر در جستجو برای حیات فرازمینی به چیزی دست پیدا نکند.

پارادوکس فرمی می‌پرسد چرا موجودات بیگانه هوشمند تاکنون با ما تماس نگرفته‌اند؟

او در مقاله‌ای که نزدیک به دو دهه پیش در نشریه علمی موسسه فناوری ماساچوست (MIT) منتشر کرد گفت: «اگر اشکال بسیار ساده‌ای از زندگی نظیر حیات چند سلولی پیدا کنیم، می‌توانیم نتیجه بگیریم که فیلتر بزرگ پس از آن نقطه از حیات اتفاق افتاده است.» وی معتقد بود که برای محدود کردن مکان رخداد این فیلتر، باید به حیات روی زمین نگاه کنیم تا ببینیم کدام مراحل غیرممکن است. او نوشت: «یک معیار این است که انتقال باید فقط یک بار اتفاق می‌افتد. پدیده‌هایی نظیر پرواز، بینایی، فتوسنتز و اندام‌ها همگی چندین بار در اینجا روی زمین تکامل یافته‌اند و بنابراین منتفی هستند.»

آقای بوستروم استدلال می‌کرد که اگر بخواهیم شواهدی از مهره‌داران در مریخ پیدا کنیم (امری که فعلاً بعید است، اما می‌توانیم دستکم آن را تصور کنیم)، این خبر وحشتناکی خواهد بود زیرا نشان می‌دهد که بخش عمده‌ای از فیلتر بزرگ هنوز در آینده سر راه ما قرار دارد و در هر صورت با آن مواجه خواهیم شد. در نتیجه قبل از اینکه از نظر فنی به بلوغ کافی برای سفر در کهکشان برسیم، منقرض می‌شویم. بوستروم می‌نویسد: «چنین کشفی ضربه‌ای کوبنده خواهد بود و بدترین خبری است که تا به حال روی جلد روزنامه‌ها چاپ شده است. به همین دلیل است که امیدوارم کاوشگرهای فضایی ما سنگ‌های مرده و شن‌های بی‌جان را در مریخ، قمر مشتری (اروپا)، و جاهای دیگر کشف کنند.»

راه‌حل‌های احتمالی زیادی برای پارادوکس فرمی پیشنهاد شده است نظیر اینکه بشر هنوز مدت کوتاهی است که آغاز به جستجوی جهان خارج کرده یا اینکه فاصله تمدن‌های هوشمند از هم زیاد است. اما اگر حق با بوستروم باشد به این معنی است که یافتن شواهدی از بقایای تمدن‌های پیشرفته ممکن است ناگوارترین خبری باشد که می‌توانیم دریافت کنیم.

بخش آموزش سندیکای کارگران فلزکار مکانیک

درآمد ۴۰۰ میلیاردی آموزش و پرورش از آزمون استخدامی



✓ حرف حساب

برای ۷۲ هزار شغل بیش از ۱ میلیون نفر ثبت نام کرده اند که آزمون استخدامی بدهند، از هر نفر ۳۷۸ هزار تومان فقط برای شرکت در آزمون کنده اند و ۴۰۰ میلیارد تومان به همین راحتی از جیب مردم بیکار و بی پول زده اند...

@M_Plus

کوهنورد!

کوهنورد که باشی، شکست برایت بی مفهوم خواهد بود.
 تو آموزش دیده ای که تلاش کنی، حتا زمانی که امید نیست!
 تو درگیر اندیشه و مسیرهای درون وجودت هستی.
 تو پس از هر بار نرسیدن، ناخودآگاه باز تلاش می کنی.
 اگر مسیری به تو فهماند که راهی برای بالا رفتن نیست،
 راهی دیگر پیدا می کنی.
 در کوهنوردی ناامید می شوی،
 تنها می شوی،
 خسته می شوی،
 فرسوده می گردی،
 اما چیزی در وجودت نمی گذارد بپذیری،
 که تمام شده ای و این پایان راه نیست.
 در زندگی باید کوهنورد بود.
 ناامیدی معنایی ندارد،
 یا راهی خواهیم یافت، یا راهی خواهیم ساخت.

چرا اعدام!

درد و دریغ از کشتار جوانانی که در این سیستم بزرگ شده اند و بالیده اند. اگر آنان خطا کرده اند باید سیستم را تنبیه کرد نه شخص را. جوانان به دنبال آزادی و عدالت هستند و این جرم نیست.

اینجا ستاره ها همه خاموشند

اینجا فرشته ها همه گریانند

اینجا شکوفه های گل مریم

بی قدر تر از خار بیابانند!

فروغ فرخزاد

دو دو

سه سه

و چهار چهار

هر بامداد و طناب دار

و بغض شکسته در گلو

نفرین و نفرین بی شمار

بر آنکه درخت را چوبه دار کرد

از رشته های نخ طناب کرد

بر آنکه قلم به حکم اعدام روا کرد.

نفرت و نفرین بی شمار

بر آنکه بر مسند قضا شیطان درون را

به دادن این حکم صدا کرد.

نفرین و نفرین بی شمار

او را که این مسند قضای پر جفا، بر پا کرد. حسین اکبری

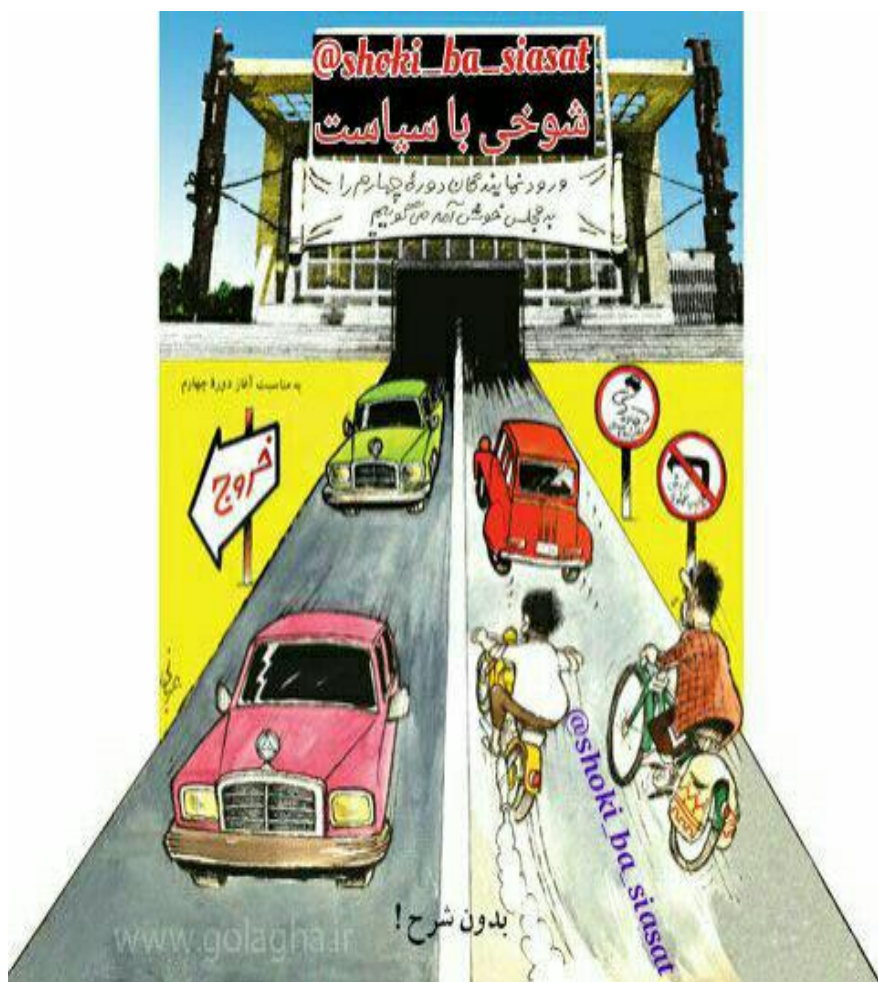
نه ثروت تا کنون زاییده مردی

harfe.hesab8

نه قصر و کاخ درمان کرده دردی

برو انسانیت را مستری باش

قضاوت می شوی با آنچه کردی



نمایندگی مجلس در ایران به زبان گل آقا